

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۴. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۴۳-۶۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

ارزیابی عدالت فضایی ساختاری-توزیعی با تأکید بر نقش مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

کرم صفری: دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

اکبر عبدالله زاده طرف*: استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

میرسعید موسوی: استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

مهسا فرامرزی اصل: استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

برای ارزیابی و نهادینه‌سازی عدالت باستی مدیریت شهری توأم‌ان به فرآیندهای تصمیم‌سازی و تنایج و آثار و پیامدهای توسعه توجه کرد و در تلاش برای کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجاد کننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها و بررسی تنایج توزیعی از جنبه‌های عادلانه و یا نعادلانه بودن باشد. براین اساس، هدف اصلی مقاله حاضر، ارزیابی عدالت فضایی با تأکید بر نقش مدیریت شهری می‌باشد که براساس آن عدالت را در سایه فرآیندهای تصمیم‌سازی (عدالت ساختاری) و آثار و پیامدهای توسعه (عدالت توزیعی) را موردنرسی قرار می‌دهد؛ بنابراین، مفهوم و ابعاد عدالت و عدالت فضایی، شیوه‌های ارزیابی آن و معیارهایی که می‌توانند جهت ارزیابی آن در اسناد و سنت‌های برنامه‌ریزی نظری طرح‌های جامع شهری و نیز در توزیع فضایی پیامدهای توسعه به کار گرفته شوند، از مباحثی هستند که در این پژوهش موردنوجه هستند. از اطلاعات و دادهای جی‌ای اسی سرشماری ۱۳۹۵ و اطلاعات کاربری‌های برداشت‌شده توسط معاونت شهرسازی و معماری شهرداری ارومیه در سال ۱۳۹۹ برای بررسی عدالت ساختاری بهره گرفته شده است. و مدارک طرح جامع برای بررسی عدالت ساختاری بهره گرفته شده است. مهم‌ترین یافته این مطالعه، تدوین چارچوبی برای ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری (با روش تحلیل گفتمان کیفی با تأکید بر شبکه نشانه‌شناسی فردینان دوسوسور) و توزیع فضایی آثار و پیامدهای توسعه (با استفاده از مدل‌های کمی و فضایی در GIS) و نهادینه‌سازی آن با تأکید بر نقش مدیریت شهری است. نتایج نشان داد که سند طرح جامع ارومیه در مجموع سطح بسیار پایینی و حداقلی از عدالت را مدنظر قرار داده است و این موضوع (عدالت) را از زوایای کمتری موردنوجه قرار داده است و تبییر سند از عدالت فضایی بیشتر بر بعد کالبدی معطوف است. در رابطه با ارزیابی عدالت توزیعی باید گفت که نابرابری‌های زیادی بین مناطق و نواحی شهر ارومیه از حیث توزیع فضایی و دسترسی ساکنین به خدمات وجود دارد. درواقع پراکنش کاربری‌ها و توزیع آن‌ها عادلانه نیست و غالباً در نواحی مرکزی متتمرکز شده‌اند و لذا دسترسی ساکنین به ویژه نواحی حاشیه‌نشین به خدمات بسیار نامناسب می‌باشد.

واژگان کلیدی: عدالت فضایی، مدیریت شهری، عدالت ساختاری،
عدالت توزیعی، طرح جامع ارومیه

* نویسنده مسئول taraf_1981@iaut.ac.ir

Evaluation of structural-distributive spatial justice with emphasis on the role of urban management (Case study: Urmia city)

Abstract

In order to institutionalize justice, urban management should pay attention to both decision-making processes (structural justice) and results and effects and consequences of development (distributive justice) and try to discover the structures and underlying layers that cause injustice and inequality in cities and examine distributional results from fair aspects. Or be unfair. Accordingly, the main purpose of this article is to evaluate spatial justice by emphasizing the role of urban management, based on which justice is examined in the light of decision-making processes (structural justice) and the effects and consequences of development (distributive justice). Therefore, the concept and dimensions of justice and spatial justice, its evaluation methods and criteria that can be used to evaluate it in planning documents and traditions such as comprehensive urban plans and spatial distribution of development consequences, are among the topics considered in this study. The information and data of the GEC census of 2016 and the information of the uses collected by the Deputy of Urban Planning and Architecture of Urmia Municipality in 2021 have been used to study distributive justice and to collect the documents of the comprehensive plan to study structural justice. The most important findings of this study are the development of a framework for evaluating spatial justice in urban development programs (by qualitative discourse analysis with emphasis on the semiotic network of Ferdinand Dossousor) and the spatial distribution of development effects and consequences (using quantitative and spatial models in GIS) and institutionalization. It emphasizes the role of urban management. The results showed that the document of the comprehensive plan of Urmia in general has considered a very low and minimal level of justice and has considered this issue (justice) from less angles and the interpretation of the document of spatial justice is more focused on the physical dimension. Regarding the evaluation of distributive justice, it should be said that there are many inequalities between the regions and districts of Urmia in terms of spatial distribution and residents' access to different services and uses. In fact, the distribution of land uses and their distribution is not fair and they are often concentrated in the central areas, so the access of residents, especially in the suburbs, to services is very inadequate.

Keyword: Spatial Justice, Urban Management, Structural Justice, Distributive Justice, Urmia Master Plan

مقدمه

تولید می‌کنند (Soja, 2009: 2). همچنین دیکسی نیز بیان می‌کند که در عدالت فضایی تأکید به خودی خود بر فضای نیست، بلکه بر فرایندهایی است که فضا را تولید می‌کنند و در عین حال بر کاربرد این فضاهای تولیدشده در فرایندهای پویای اجتماعی، اقتصادی و روابط سیاسی تأکید می‌کند (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). ازین‌رو، در عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی شامل ۱- عدالت توزیعی (محصول گرا)، ۲- فرآیندهای تصمیم‌سازی (عدالت فرایندهای و ساختاری) روبه‌رو هستیم. عدالت فضایی محصول گرا در قالب الگوهای توزیعی که به خودی خود عادلانه / ناعادلانه هستند، در حوزه‌های جغرافیایی معنا می‌یابد. عدالت فضایی فرایندهای نیز به عنوان فرآیندهای شکل‌دهنده به فضا (اسناد و سنت‌های برنامه‌ریزی، قوانین، خواص و آینین‌نامه‌ها) مورد بحث قرار می‌گیرند. با این وجود در زمینه عدالت شهری / فضایی در پیشینه نظری جهانی مطالعات اندکی وجود دارند که به طور واضح مفهوم عدالت فضایی در شهر و جنبه‌های آن را موردنبررسی قرار داده باشند و هنوز گفتمان عدالت فضایی دارای پیچیدگی و ابهام است. در برخی از مطالعاتی که پیش از این انجام‌شده است، به بررسی نظام فضایی عدالت در حوزه‌های جغرافیایی پرداخته شده است و به چگونگی توجه برنامه‌های توسعه شهری به مقوله عدالت در رویکرد عدالت ساختاری (فرآیند تصمیم‌سازی) توجهی نداشته‌اند.

شهر ارومیه به عنوان یک شهر متوسط اندام در طی سال‌های گذشته تحولات مختلف جمعیتی و کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در خود دیده است. توزیع نامناسب و نابرابر خدمات در شهرها به دلیل جاماندن توسعه شهر از رشد آن، در حال حاضر یکی از چالش‌های مدیریت شهری در پاسخگویی به شهروندان است. ازین‌رو، اقدامات زیادی عمده‌ای بزرگ‌مقیاس و پژوهیزینه با ادعای کاهش فاصله و شکاف شمال (حاشیه‌نشین) و جنوب (توسعه‌یافته) توسط مدیریت شهری انجام‌شده است، اقداماتی که سیما و فضای شهری را به شکل متفاوتی تغییر داده است. مدیریت شهری به عنوان متولی برنامه‌ریزی شهر نقش مهمی را در شکل‌گیری حال و آینده شهر دارد و یکی از وظایف مدیریت شهری و شاید مهم‌ترین آن برقراری و نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی و ساخت شهری عادلانه باشد که برای این مهم بایستی مدیریت شهری توأم باشد. ازین‌رو هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضای نمود می‌یابد (الوندی پور و داداش پور، ۱۳۹۷: ۷۲). به عقیده سوچا عدالت و بی‌عدالتی از طریق تولید فضایی جغرافیایی شکل‌گرفته و عدالت موضوعی جغرافیایی است (Manuel, 2016:2).

سوچا عنوان می‌کند عدالت فضایی تنها به معنی عدالت در تخصیص منابع نیست. بلکه عدالت فضایی بازنگری در روابط تولید است. بهبیان دیگر، عدالت فضایی هم می‌تواند به عنوان نتیجه و هم‌رونده دیده شود؛ به عنوان محدوده‌های جغرافیایی از الگوهای توزیعی که به خودی خود عادلانه نتایج توزیعی از جنبه‌های عادلانه و یا ناعادلانه بودن

رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرها در دهه‌های اخیر، موجب واقعیت‌هایی چون نابرابری اجتماعی، قطبی شدن فضایی، فقر و نمود کالبدی این مضلات چون دسترسی نابرابر به سرمایه‌های شهری شده است و شرایطی را به وجود آورد که بی‌عدالتی‌ها بیش از پیش در شهرها تولید و بازتولید شدند (الوندی پور و داداش پور، ۱۳۹۷: ۷۰). با این حال، ساخت شهری پردازان حوزه برنامه‌ریزی شهری از ابتدای شکل‌گیری این علم شده است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۶)، لذا، مهم‌ترین رسالت متخصصان و حرفه مندان شهری کاهش این نابرابری‌ها و ازین بردن تضاد در دسترسی به سرمایه‌های شهری برای ساکنان و گروه‌های مختلف اجتماعی است (الوندی پور و داداش پور، ۱۳۹۷: ۷۰). در سال‌های اخیر کسانی نظیر جان راولز، دیوید هاروی، سوزان فاینشتاين، ادوارد سوجا، هیدر کمپل و پیتر مارکوس نظریه‌های مطرحی را در فلسفه عدالت در برنامه‌ریزی شهری صورت‌بندی کرده‌اند و بهویژه به تحلیل این مفهوم در عرصه شهر و در پیوند با مقوله فضای پرداخته‌اند و رویکرد عدالت فضایی مطرح شد (داداش پور و الوندی پور، ۱۳۹۶: ۷). بسیاری از این اندیشه‌ها به جایگاه برنامه‌ریزی (و به طور اخص برنامه‌ریزی شهری) در تحقق عدالت توجه دارند و برنامه‌ریزان شهری را مجریان اصلی اجرای عدالت در شهرها می‌دانند. ساخت شهر و توسعه آن می‌تواند در چارچوب معیارهای عادلانه شکل‌گیرد، چنان‌که ال کین و مک لارن، «عدالت» را در کنار «اینده‌نگری»، «محیط‌زیست» و «مشارت» به عنوان یکی از چهار اصل توسعه پایدار شهر پیشنهاد کرده‌اند (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). عدالت بعد فضایی دارد و می‌توان از یک نگرش فضایی به منظور تشخیص بی‌عدالتی در شهر استفاده کرد. درواقع، فضای یک ساختار اجتماعی است که منعکس‌کننده حقایق اجتماعی بوده و بر روابط اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد. ازین‌رو هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضای نمود می‌یابد (الوندی پور و داداش پور، ۱۳۹۷: ۷۲).

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روانسازی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۴۵

و برایین اساس، غالب پژوهش‌ها مبتنی بر آمارهای عددی و روش‌های کمی و البته قدیمی و تکراری چون AHP، تاپسیس، ضربی آنتروپی، ضربی تعییرات، ویکور و... بهره گرفته شده است. آنچه در این بین فراوان است، بی‌توجهی پژوهشگران به استفاده از پژوهش‌های کیفی و ترکیبی در مطالعات عدالت فضایی است. حال آنکه پژوهش‌های کیفی و ترکیبی امروزه در دنیای علمی توجه بسیاری را به خود جلب نموده و در حوزه‌ای با خصوصیات حوزه عدالت فضایی انجام پژوهش‌های کیفی و ترکیبی یکی از دغدغه‌های اصلی محسوب می‌شود تا از این طریق به توسعه مفاهیم، معیارها و شاخص‌های مؤثر در عدالت فضایی بتواند در بخش فرآیندهای تصمیم‌سازی و قوانین و مقررات دست یابند. درواقع، مطالعات داخلی بیشتر از منظر عدالت توزیعی، به سنجش عدالت پرداخته‌اند و از نگاه ساختاری به عدالت (در قالب اسناد برنامه‌ریزی، قوانین و ضوابط شهرسازی)، چشم پوشیده‌اند. همچین غالب مطالعات، بر بعد خاصی از نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری عدالت محور تأکید داشته و در اغلب موارد، از بیان همه‌جانبه و نظاممند آن، ناقوان بوده‌اند. برایین اساس و به منظور رفع خلاهای تحقیقات انجام‌شده در حوزه عدالت فضایی و نیز نهادینه‌سازی عدالت برای مدیریت شهری، در وهله اول به دنبال چیستی مفهوم عدالت در قالب سخن‌شناسی مفهومی نظریه‌های عدالت محور (در قالب گونه‌شناسی فرانظری آلماندینگر) اقدام می‌شود و بر اساس آن، اصول و معیارهای عدالت فضایی در هر دو ساخت کیفی (ساختاری) و کمی (توزیعی) و بر اساس مدل‌های جدید به عنوان شالوده و زیربنای مقاله حاضر مشخص می‌شوند. در وهله دوم، سند طرح جامع ارومیه به لحاظ چگونگی توجه به مقوله عدالت با تکنیک تحلیل گفتمان با تأکید بر نشانه‌شناسی دوسوسور که پیش از این تجربه نشده بود، مورد بررسی قرار می‌گیرد (عدالت ساختاری). در ادامه به بررسی عدالت در توزیع فضایی خدمات و دسترسی ساکنان به خدمات در مقیاس‌های مختلف عملکردی و درنهایت به رتبه‌بندی نواحی به لحاظ میزان برخورداری از خدمات بر اساس مدل جدید مباداً اقدام می‌شود.

باشد که مقاله حاضر تلاش دارد مسائل و مشکلات طرح جامع ارومیه از نگاه عدالت ساختاری و مسائل و مشکلات توزیع خدمات و دسترسی ساکنین به آن را از نگاه عدالت توزیعی شناسایی کند و چارچوبی جامع و کامل از عدالت (ساختاری و توزیعی) در اختیار مدیریت شهری ارومیه که مجری اصلی تحقق عدالت در شهر است، قرار دهد تا بتواند با عمل آگاهانه در پیاده‌سازی و نهادینه‌سازی عدالت هم در تهییه سند طرح جامع جدید ارومیه (با آگاهی از اینکه بی‌عدالتی‌های ساختاری بیشتر در کجای سند طرح جامع تمرکز یافته‌اند) و هم در بستر توزیعی وضع موجود (با آگاهی از اینکه بی‌عدالتی‌های توزیعی بیشتر در کدام بخش و محله تمرکز یافته است)، نابرابری‌های فضایی را کاهش دهد و با ارتقای کیفیت زندگی، توسعه پایدار شهری را تضمین کند. هدف اصلی مطالعه حاضر ارزیابی عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه (عدالت ساختاری) و نیز در حوزه‌های جغرافیایی (توزیعی) شهر ارومیه است؛ بنابراین، اینکه عدالت و بتواند جهت ارزیابی عدالت ساختاری و عدالت توسعه شهری چگونه است؟ چه معیارهایی می‌تواند جهت ارزیابی عدالت ساختاری و عدالت توسعه شهری شود؟ ارزیابی عدالت ساختاری در برنامه‌های توسعه شهری چگونه انجام می‌پذیرد؟ توزیع خدمات و دسترسی ساکنین به آن چگونه است؟ و سؤالاتی در همین راستا، از مباحثت موردنوجه در این پژوهش هستند.

پیشینه تحقیق

مطالعات قابل توجهی پیرامون موضوع عدالت فضایی هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی انجام‌شده است که البته تفاوت‌های زیادی با مقاله حاضر دارد. با این حال با بررسی تزدیک‌ترین مطالعات انجام‌شده، خلاهای تحقیقات گذشته شناسایی شده و تلاش شده است که در مقاله حاضر به رفع این خلاه‌ها اقدام شود تا ارزیابی عدالت ساختاری و توزیعی در شهر ارومیه به صورت جامع و کامل انجام شود.

مطالعات خارجی، برای اثبات و یا رد فرضیه توزیع عدلانه خدمات از شاخص‌های سطح سرانه، شعاع خدمات رسانی، قابلیت دسترسی و جمعیت استفاده کردند. علاوه بر این، برخی مطالعات خارجی به سمت شاخص سازی عدالت فضایی در سه حوزه قوانین، فرآیندها و نتایج با روش ترکیبی (کمی و کیفی) رفتند، موضوعی که توسط مطالعات داخلی مورد غفلت واقع شده است. در رابطه با مطالعات داخلی می‌توان گفت که بیشترین نوع پژوهش به پژوهش‌های کمی اختصاص یافته است

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام‌شده در رابطه با عدالت فضایی

نتایج و یافته‌ها	روش	اهداف پژوهش	پژوهشگر / سال
مطالعات خارجی			
<p>آنان به تعریف یک چارچوب مفهومی برای تحلیل عدالت فضایی مبتنی بر یک مدل سه‌بعدی شامل قوانین (برابری دسترسی به فرصت‌ها برای همه)، فرآیند (تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان) و نتایج (دسترسی به منابع و توزیع آن‌ها در فضا) پرداخته‌اند. درنهایت شاخص‌های اختلاط عملکردی، تنوع اجتماعی، دسترسی به امکانات و خدمات عمومی و توزیع مسکن قابل استطاعت را در هر سه بخش قوانین، فرآیند و نتایج تعریف و برای ارزیابی عدالت فضایی در پژوهه‌های توسعه شهری پیشنهاد می‌کند.</p>	<p>استفاده از چارچوب تحلیل و توسعه نهادی IAD (تحلیل منطقی)</p>	<p>ارزیابی عدالت فضایی در یک پژوهه توسعه شهری</p>	<p>آچمانی و دیگران / ۲۰۲۰</p>
<p>یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی در سراسر برزیل نابرابر است. ایالت‌های منطقه شمالی و بخشی از مناطق شمال شرقی و غرب در مقایسه با سایر ایالت‌ها از سطح زیرساخت‌های بهداشتی پایینی برخوردار است.</p>	<p>استفاده از مدل تحلیل عاملی برای رتبه‌بندی ایالت‌های برزیل و استفاده از مدل موران برای چگونگی پراکنش خدمات درمانی</p>	<p>بررسی توزیع فضایی زیرساخت‌های بهداشت و درمان در کشور برزیل</p>	<p>بزرگان / ۲۰۲۰</p>
<p>از بین سه شهر ونکوور، پرت لند و سیاتل، شهر پرت لند بیشترین میزان نابرابری در دسترسی‌پذیری به کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها را دارد بوده به طوری که حدود ۷۵ درصد از سالماندان این شهر فاقد دسترسی‌پذیری مناسب و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها فاقد دسترسی مناسب به کلینیک‌های بهداشتی می‌باشند. همچنین در هر ۳ شهر موردربررسی، افراد کم‌درآمد از قابلیت دستیابی کمتری نسبت به افراد پردرآمد برخوردار بوده‌اند.</p>	<p>استفاده از تکنیک‌های پادگیری ماشین به همراه ضریب جینی و داده‌های مت بناز حمل و نقل عمومی کشور کانادا</p>	<p>ارائه چارچوبی در سطح منطقه‌ای برای سنجش ارزیابی عدالت در دستیابی به مراکز بهداشتی و درمانی در سه شهر از کشور کانادا</p>	<p>مايد و همکاران / ۲۰۱۹</p>
<p>وجود نابرابری میان گروه‌های اجتماعی همچون کودکان و سالماندان در دو شهر ناگویا ژاپن و همچنین کاتانیا ایتالیا در دستیابی به انواع مختلف فضاهای سبز شهری.</p>	<p>استفاده از روش‌های مبتنی بر GIS به همراه داده‌های اجتماعی-اقتصادی</p>	<p>ارائه چارچوب برنامه‌ریزی فضاهای سبز شهری جهت لحاظ کردن نیازها و تمایلات دسترسی‌پذیری گروه‌های اجتماعی مختلف</p>	<p>لاروسا و همکاران / ۲۰۱۸</p>
<p>نتایج بیانگر توزیع خوش‌های فضاهای سبز در شهر حلب سوریه و همچنین برخورداری بیشتر نواحی مرکزی و غربی شهر در برخورداری از این فضاهای است. در صورتی که در بیشتر نواحی حاشیه‌ای این شهر که افراد کم‌درآمد ساکن شده‌اند، دارای دسترسی‌پذیری بسیار کمتری می‌باشند. به طور کلی نواحی دارای افراد مرفه، دسترسی‌پذیری بهتری به فضاهای سبز شهری دارا می‌باشند.</p>	<p>استفاده از تکنیک نزدیکترین همسایگی و همچنین تحلیل شبکه به همراه تحلیل آنالیز واریانس یک‌طرفه</p>	<p>سنجش و ارزیابی سطوح دسترسی‌پذیری به فضای سبز شهری توسط افراد با موقعیت‌های اجتماع-اقتصادی مختلف در شهر حلب سوریه قبل از جنگ داخلی</p>	<p>المحمد و همکاران / ۲۰۱۸</p>

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روانسازی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban management
No.66 Spring 2022

پژوهشگر / سال	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
بیان و همکاران / ۲۰۱۷	بررسی عدالت فضایی در تخصیص و چیدمان پارک‌های شهری به منظور دستیابی به نیازهای افراد آسیب‌پذیر در شهر چنجهنجیگ مین	استفاده از تحلیل‌های فضایی به همراه تحلیل‌های آماری از تقاضاهای مؤثر افراد آسیب‌پذیر	مطابق یافته‌های این پژوهش، توزیع پارک‌های این شهر مطابق با نیاز شهروندان آن نبوده و بنابراین دارای توزیع نعادلانه‌ای می‌باشد، علی‌الخصوص در نواحی تاریخی و مرکزی شهر که این اختلاف شدیدتر می‌گردد.
ویر و دیگران / ۲۰۱۶	تجزیه و تحلیل فضایی مناطق شهری: دسترسی شهری و دسترسی به خدمات	استفاده از تحلیل‌های فضایی در GIS	استفاده از سه شاخص تراکم جمعیت، دسترسی به خدمات و معیارهای الگوی رفت‌آمد برای تحلیل دسترسی موربد بررسی قرار گرفت. درنهایت به تعیین نحوه رویکرد تحلیل برای برنامه‌ریزان استراتژیک کار در سطح شهرداری یا منطقه‌ای پرداختند.
دای / ۲۰۱۶	مقایسه وضعیت برابری و عدالت فضایی در خصوص برخورداری شهروندان هیوگو بین سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۴	استفاده از روش ضربی تغییرات برای محاسبه و مقایسه داده‌های سه شاخص خدمات آموختنی پایه، حمایت‌های اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی	نتایج بررسی وی نشان داد که در میان خدمات فوق، خدمات بهداشتی و درمانی به صورت نامتعادل و کاملاً نابرابر توزیع شده است. همچنین توسعه خدمات بهداشتی به گلوبه برابر خدمات عمومی شهر تبدیل شده است. ایشان در مقاله خود از مطالعه تطبیقی بررسی جمعیت و سرانه کاربری‌هایی استفاده کرده است که در دسته‌بندی فوق جای گرفته‌اند.
ریس و همکاران / ۲۰۱۴	سنچش دسترسی‌پذیری کودکان به پارک‌های شهری بر اساس فاصله پیاده‌روی	تخمین رفتار سفر با استفاده از رگرسیون‌های چندمتغیره	بر اساس نتایج، کودکان مرفه و ساکن در شهرک‌های حومه‌ای شهر آتلانتا کانادا، دارای بهترین سطوح از دسترسی‌پذیری به پارک‌های شهری بوده و همچنین نابرابری در تخصیص این پارک‌ها در نقاط مختلف شهر به اثبات رسید.
باری و دیگران / ۲۰۱۲	تجزیه و تحلیل فضایی در ارائه امکانات شهری و کمبود آن‌ها در شهر سرینگر ایالت جامو و کشمیر هند	استفاده از داده‌های ثانویه و روش موران فضایی و نرم‌افزار GIS	نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که نابرابری در ارائه دسترسی به این امکانات در بخش‌های مختلف در شهر سرینگر وجود دارد. دلایل توزیع ناهموار امکانات رفاهی شهری، رشد شهرنشینی در سه دهه گذشته و برنامه‌ریزی مدیریت ضعیف است. این مقاله نشان می‌دهد که سازمان برنامه‌ریزی باید با گسترش افقی شهری هماهنگ شود تا توزیع عادلانه امکانات شهری در شهر برقرار شود.
احمدی و شمسی‌پور / ۱۳۹۹	چگونگی توزیع خدمات عمومی با تأکید بر عدالت اجتماعی در شهر بجنورد	استفاده از روش‌های تحلیل خوشای، تکنیک ویکور فازی و آزمون‌های آمار استنباطی	نتایج نشان داد که حدود ۶۰ درصد از مناطق شهری شهر تبریز به لحاظ توزیع خدمات شهری در سطح نامتعادل قرار دارند. همچنین تمامی مناطق شهری تبریز به نسبت یکسان و متعادل از امکانات و خدمات شهری برخوردار نگردیده و توزیع خدمات بر اساس پراکنش جمعیت نبوده است.
کوشانه و دیگران / ۱۳۹۸	بررسی وضعیت پراکنش فضایی کاربری‌های خدمات عمومی و ارائه راهکارهایی جهت کاهش این نابرابری در شهر تبریز	استفاده از روش شاخص ویلیامسون، تاپسیس، آنتروپی شانون و نرم‌افزارهای GIS و SPSS	

مطالعات داخلی

شمسی‌پور / ۱۳۹۹	چگونگی توزیع خدمات عمومی با تأکید بر عدالت اجتماعی در شهر بجنورد	استفاده از روش‌های تحلیل خوشای، تکنیک ویکور فازی و آزمون‌های آمار استنباطی	شهر بجنورد با کمبود شدید مراکز خدمات عمومی روبروست. همچنین این کمبود به صورت نعادلانه در محله‌های شهری مشاهده می‌شود و شاهد بروز نابرابری و بی‌عدالتی میان محله‌ها هستیم. این نابرابری‌ها به صورت مرکز پیرامونی است و هرچه از بخش مرکزی شهر به سمت حاشیه‌ها حرکت می‌کنیم، به محرومیت محله‌ها افزوده می‌شود
کوشانه و دیگران / ۱۳۹۸	بررسی وضعیت پراکنش فضایی کاربری‌های خدمات عمومی و ارائه راهکارهایی جهت کاهش این نابرابری در شهر تبریز	استفاده از روش شاخص ویلیامسون، تاپسیس، آنتروپی شانون و نرم‌افزارهای GIS و SPSS	نتایج نشان داد که حدود ۶۰ درصد از مناطق شهری شهر تبریز به لحاظ توزیع خدمات شهری در سطح نامتعادل قرار دارند. همچنین تمامی مناطق شهری تبریز به نسبت یکسان و متعادل از امکانات و خدمات شهری برخوردار نگردیده و توزیع خدمات بر اساس پراکنش جمعیت نبوده است.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۴۸

پژوهشگر / سال	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
زمانی و دیگران / ۱۳۹۷	بررسی توزیع خدمات و کاربری‌ها در مناطق شهر مرند به صورت متعادل توزیع نشده است و نتایج هر سه مدل ویکور، ساو و مدل کپ لند نشان می‌دهد مناطق ۱ و ۳ در برخورداری از خدمات رتبه‌های اول و دوم را دارا می‌باشند و منطقه ۵ در رتبه آخر قرار دارد و با مقایسه این نتایج با نتایج مدل اسپیرمن مشخص می‌شود ارتباطی بین پراکنش جمعیت و توزیع سرانه‌ها در مناطق شهر مرند وجود ندارد	استفاده از مدل‌های ویکور، ساو، کپ لند و اسپیرمن	
اماپور و دیگران / ۱۳۹۶	بررسی و تحلیل پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در کلان‌شهر اهواز	استفاده از مدل‌های ویکور، الکتر، تاپسیس و آزمون ضریب همبستگی پیرسون	تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که مناطق ۳ و ۴ در رتبه اول برخورداری، مناطق ۱ و ۲ نیمه برخوردار و مناطق ۷ و ۸ رتبه آخر را در بین مناطق دیگر از لحاظ برخورداری از شاخص‌های خدمات شهری به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، ارتباط خصیفی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات وجود دارد.
پریزادی و دیگران / ۱۳۹۵	بررسی وضعیت توزیع خدمات در سطح محلات شهر مریوان بر اساس جمعیت، مساحت و سرانه	استفاده از مدل‌های ویکور و ضریب همبستگی پیرسون	نتایج نشان می‌دهد خدمات شهری به طور عادلانه در سطح محلات شهر مریوان توزیع نشده است؛ به طوری که محله ۱۱ در بهترین وضعیت و محله ۷ در پایین‌ترین وضعیت قرار دارد. همچنین بیانگر نوعی بی‌نظمی در پراکنش فضایی کاربری‌ها بهویژه در رابطه با جمعیت می‌باشد.
حیدری / ۱۳۹۵	بررسی و تحلیل وضع موجود توزیع فضایی کاربری‌های اساسی خدمات شهری نواحی شش گانه شهر بوشهر	استفاده از مدل‌های امتیاز استانداردشده، ضریب مکانی و ویکور	نتایج نهایی پژوهش نشان می‌دهد که خدمات عمومی به طور عادلانه در بین نواحی شهر بوشهر توزیع نشده است و در بین ۶ ناحیه، ناحیه ۲ با کمترین جمعیت ساکن نسبت به سایر نواحی، از بیشترین خدمات شهری برخوردار می‌باشد. اجمالی مهم‌ترین دلیل تمرکز خدمات در ناحیه ۲ را می‌توان متنطبق بودن بخشی از این ناحیه با بخش مرکزی تجاری شهر دانست.
مبارکی و دیگران / ۱۳۹۴	بررسی نحوه توزیع فضایی خدمات عمومی در نواحی هشت گانه شهر رشت و ارتباط آن با پراکنش جمعیت	استفاده از مدل تاپسیس و تحلیل خوش‌های و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن	میزان برخورداری نواحی مختلف از خدمات شهری به صورت یکسان نبوده و نواحی کم‌جمعیت در مقایسه با نواحی پرمجمعیت به خدمات بیشتری در داخل محدوده خود دسترسی دارند که این نشان‌دهنده ارتباط ضعیف بین توزیع خدمات و جمعیت در میان نواحی می‌باشد؛ بنابراین در زمینه توزیع خدمات عمومی در شهر رشت و در سطح نواحی آن، عدالت دسترسی رعایت نشده است
داداش پور و دیگران / ۱۳۹۴	تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام	روش‌شناسی مبتنی بر تحلیل منطقی (ازیزی) و مقایسه مبانی استدلالی آموزه‌های فلسفی و سیاسی)	مفهوم عدالت را از دیدگاه اندیشه‌مندان غربی، جهان اسلام، مکتب‌های مختلف بشری و دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بررسی کرده‌اند. در ادامه، شش میار برای عدالت فضایی استخراج نموده‌اند که شامل برآبری فرست‌ها، آزادی، تفاوت، نیاز، استحقاق و بهره‌مندی از منفعت عمومی می‌باشند.
داداش پور و دیگران / ۱۳۹۴	جایگاه عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران	تحلیل محتوای کیفی	نویسنده‌گان به صورت بندی‌های مفهومی عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری کشور اشاره کرده‌اند و بیان می‌کنند که برای رسیدن به برنامه‌ریزی شهری عدالت محور باید از سیاست‌های کالبد محور و فن‌سالارانه فاصله گرفته و به سمت سیاست‌های همه‌جانبه و مشارکت جویانه حرکت کرد و در آن به مدیریت محلی قدرت داد و درنهایت مطابق اصل آزادی، به بعد سیاسی شهر توجه بیشتر کرد تا ساکنین شهر حقوق خود را از طرح‌های توسعه شهری (بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های آشکار) مطالبه نمایند

پژوهشگر / سال	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
سعیدی رضوانی / ۱۳۹۳	مطالعه اندیشه‌های معطوف به عدالت در نظریه‌های شهرسازی و تشریح عدالت در مبانع اسلامی	تحلیل محتوای کیفی	این مقاله، گونه شناسی‌ای از مهم‌ترین آرای متکرمان حوزه شهر عدالت محور در میان نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی در قالب سه گونه نظریه‌های راست‌گرا، چپ‌گرا و پس‌امدern ارائه کرده است. همچنین، معيارهای «رفاه مادی»، «تنوع قومی، نژادی، مذهبی»، «حفظ محیط‌زیست»، «مشارکت» و «همه‌شمولی» به عنوان مهم‌ترین معيارهای مشترک و معيارهای «سرپرستی پرهیزگاران»، «عدالت در ارتباط با خدا» و «حفظ کرامت انسانی» از معيارهای مختص آموزه‌های اسلامی می‌داند.
سعیدی رضوانی و نوریان / ۱۳۹۳	شهرسازی عدالت محور؛ رهیافتی پیش رو در برنامه‌ریزی شهری	تحلیل محتوای متون و گونه شناسی نظریه‌ها	این مقاله به بررسی نظریه‌های برنامه‌ریزی معطوف به عدالت شامل دیدگاه‌های هاروی، برنامه‌ریزی ارتباطی، برنامه‌ریزی همگانی، برنامه‌ریزی گفتمانی و نظریه شهر عدالت محور پرداخته است.
نوریان و سعیدی رضوانی / ۱۳۹۱	گونه شناسی آرای بنیادین معطوف به عدالت در شهر	مطالعه استادی و تحلیل محتوای کیفی	بر این اساس گونه شناسی انجام شده، نظریه‌های روسو، بنتام، گولت و هابرمانس، در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول قراردادی، نظریه‌های افلاطون، ارسطو، هابز، کانت، رالز، سن و نوزیام در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول مفروض و نظریه‌های مارکس و انگلس در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول ایدئولوژیک جای گرفتند.

مبانی نظری

نظریه‌های برنامه‌ریزی عدالت محور

واژه عدالت یکی از مناقشه‌انگیزترین مفاهیم در حوزه علوم انسانی است و در حوزه‌های گوناگون حقوق، اخلاق، الهیات، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی معانی مختلفی پیدا می‌کند. از سال‌ها پیش و از زمان افلاطون تا دوران معاصر، همواره اندیشمندانی به این مفهوم فلسفی پرداخته‌اند و گاهی آن را در قالب یک امر مثالی و مواری و گاهی نیز در شکل موضوعی ملموس و قابل اندازه‌گیری تفسیر کرده‌اند (داداش پور و الوندی پور، ۱۳۹۶، ۷-۶). با توجه به سیر تحول تاریخی مبانی نظری مرتبط با عدالت، تعاریف عدالت به هشت دسته کلی تقسیم شده است که عبارتند از: برابری برای گروه‌های برابر، مساوات و حذف طبقات، تأمین حداقل‌ها برای همه، برابری در اجرای قانون، رعایت حق به شهر، حداکثر کردن سود، حمایت از گروه‌های محروم، برابری فرصت‌ها و آزادی انتخاب (عزیزی و شکوهی، ۱۳۹۴: ۱۳۱). مهم‌ترین اقدام در اجرای عدالت و تحقق آن، بررسی چیستی مفهوم عدالت است. شناخت مفهومی عدالت نیز مقدمه ورود به بحث معيارهای عدالت است تا بر اساس آن بتوان در گام عملیاتی در پژوهش‌های کاربردی به برنامه‌ریزی و اجرای عدالت پرداخت (تراب زاده جهرمی

نیز خط سیر اندیشه سوسیال را در برنامه‌ریزی شهری سطح داده‌اند. به طور خلاصه می‌توان گفت هسته اصلی نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی این است که هرچه نقش گروه‌های محروم در تصمیم‌های سیاسی قوی‌تر باشد باز توزیع نتایج بهتر خواهد بود و تأکید این نوع از برنامه‌ریزی بیشتر بر فرایند است تا محتوا. در نظریه برنامه‌ریزی گفتمانی، تنها مفهومی از عدالت اجتماعی موفق است که برای مشاوره بین افرادی که توانستند در کنار هم زندگی کنند، قابل استفاده باشد. اصول نظریه شهر عدالت محور عبارت‌اند از: برابری، مردم‌سالاری و تنواع. در برنامه‌ریزی همگانی نقش افرادی که در فرایندهای قدرت کنار گذاشته شده‌اند، مورد توجه قرار می‌گیرد. در نظریه عدالت فضایی نیز هر تلاشی برای شناسایی کردن ناعدالتی‌ها، باید در جهت درونی سازی ارتباطات اجتماعی، فضایی و نقش حیاتی که این روابط در توزیع، تولید و بازتولید فضا بازی می‌کند، باشد.

صورت‌بندی‌های عدالت فضایی

فضا در طی دهه‌های اخیر به یکی از مقولات اساسی در تحلیل‌های شهری تبدیل شده است. به طوری که در اثر فرایند شهرنشینی و جهانی‌شدن، مفاهیم فضا زمان به عنوان یک اندیشه اجتماعی دچار تحولات یاد می‌کنند که علوم اجتماعی و مسائل فضا را به «چرخش فضایی» گسترده‌ای شده است. اندیشمندان از این تحولات به عنوان ویژه از دهه ۱۹۸۰ تحت تأثیر قرار داده و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. به طوری که این تغییرات و توجهات از مزه‌های دانش جغرافیا فراتر رفته است. ارائه نظرات تازه و متفاوت در زمینه فضا به ویژه در آثار آنری له فور در این چرخش و شکل‌گیری انگاشتی نواز فضا بسیار تأثیرگذار بوده است. له فور نظریه‌اش درباره فضا را بایک مفهوم رابطه‌ای از فضا و زمان آغاز می‌کند. وی این دو را بهسان فراورده‌های اجتماعی می‌بیند که هم پیامد تولید جامعه‌اند و هم پیش‌شرط تولید جامعه (اشمید، ۱۳۹۴: ۱۵۴). بهیان دیگر فضا و کنش گران اجتماعی از نظر له فور دارای یک رابطه دیالکتیکی هستند که در این رابطه فضا نه تنها به واسطه روابط اجتماعی تداوم می‌یابد بلکه روابط اجتماعی را تولید می‌کند و خود نیز به واسطه روابط اجتماعی تولید می‌شود. له فور مفهوم فضا را در کانون نظریه‌های اجتماعی و سیاسی معاصر قرار داده است. نکته اصلی نظریه له فور این است که تولید فضا را می‌توان به سه بعد از لحاظ دیالکتیکی درهم‌تنیده، تقسیم کرد. بهیان دیگر تولید فضا را با یک

راولز، هابرماس و لوفور) عموماً به صورت‌بندی‌هایی از نظریه عدالت دست یافته‌اند که مبتنی بر متغیرهای کانونی‌ای نظیر آزادی، برابری، حقوق انسانی و مشارکت بوده است. برخی از معیارهای موردنظر اندیشمندان شرقی در تعریف توزیع عدالت‌هه عبارت‌اند از: آزادی، ارتقاء وضعیت فقراء، رفع تعییض، رعایت استحقاق، برابری طبقاتی، نفی استثمار، نفی تضاد و تعییض، برابری، برابری، اخلاق، قانون، انصاف (دادگری)، روشنگری، دموکراسی، وحدت، تضامن بین افراد و اجتماعات، همیاری، توازن اجتماعی، احتیاج، برابری قابلیت‌ها، افزایش گزینه‌های انتخاب، کاهش فاصله فقیر و غنی، کمک دولت به فقراء، اجرای قانون، نبود فساد، فرصت رشد و پیشرفت برابر و حقوق مدنی.

- نظریه‌های اجتماعی برآمده از جامعه‌شناسی هستند و هدفشان فراهم کردن درکی کلی از ماهیت جامعه است. این نظریه‌ها از دیدگاه آلماندینگر به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند (آلمندینگر، ۱۳۸۴: ۶۹): نخست، نظریه‌های ساختارگرای بالا به پایین (مانند نظریه مردم‌سالارانه برای شرایط ناعادلانه ایریس ماریون یانگ) که بر شناخت نیروهای ساختمندسازی که بر فرد تأثیر می‌گذارند، تأکید دارند. دسته دوم، دیدگاه‌های پایین به بالا و تفسیرگرا هستند که قدرت انتخاب و اندیشه فرد (مثل حق حضور در شهر لوفور و شهر و عدالت اجتماعی دیوید هاروی) را مینما قرار می‌دهند. این دسته از نظریه‌ها به مسئله شهر به عنوان یک مفهوم عام پرداخته و تلاش کرده‌اند به صورت کلی، شرایط و زمینه‌های تحقق عدالت در شهر را بررسی کنند.

- نظریه‌های درون‌زای عدالت محور، نوع خاصی از نظریه‌پردازی مطرح می‌شود که به طور مشخص به امر برنامه‌ریزی می‌پردازد (آلمندینگر، ۱۳۸۴: ۷۰) و به ارائه رهنمودهای قابل استفاده‌ای در فرایند برنامه‌ریزی شهری کاربردی، توجه دارند و اصول و معیارهایی برای استفاده در تهییه طرح‌های شهری، ارزیابی شرایط شهرها از لحاظ تطابق با معیارهای عدالت ارائه می‌دهند (داداش پور و الوندی پور، ۱۳۹۶: ۲۱). در این دسته، نظریه‌های برنامه‌ریزی ارتباطی (جودیش اینز، پتسی هیلی، لئونی ساندرکاک، اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون)، برنامه‌ریزی گفتمانی (فرانک فیشر)، شهر عدالت محور (سوزان فاینشتاین) در راستای سنج شناسی لیبرال از مفهوم عدالت در برنامه‌ریزی شهری گسترش یافته‌اند. همچنین نظریه‌های برنامه‌ریزی همگانی (پیتر مارکوس) و عدالت فضایی (دیکسی)

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روانسازی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۵۱

انتقادی که هدف آن ترویج حساسیت‌های جدیدی است که به اقدامات انحصارگرفته علیه بی‌عدالتی‌های موجود در فضای پویایی‌های فضایی، جان می‌بخشد. از نظر اوی هدف این انتقاد، تفسیر یک گفتمان ایدئولوژیکی درباره (بی) عدالتی حالت فضایی است؛ در گفتمانی که تأکید به خودی خود بر فضا نیست، بلکه بر فرایندی‌های است که فضا را تولید می‌کنند و در عین حال بر کاربرد این فضاهای تولیدشده در فرایندی‌های پویای اجتماعی، اقتصادی و روابط سیاسی تأکید می‌شود (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

بر اساس آنچه گفته شد، فضاییک ساختار اجتماعی است که منعکس کننده حقایق اجتماعی بوده و بر روابط اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد. از این‌رو هم عدالت و هم بی‌عدالتی در فضا نمود می‌باشد؛ بنابراین در تحلیل و تبیین گفتمان عدالت فضایی تحلیل سیاست‌ها و نهادهای موجود که منجر به خلق نا عدالتی در فضای شهری می‌شوند، اهمیت زیادی دارد. چنین رویکردی همان‌طور که دیکسی نیز عنوان می‌کند به ما کمک می‌کند تا فرایندی‌های پویای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را کشف کنیم و ببینیم آیا آن‌ها به روشنی کار می‌کنند که تسلط و سرکوب را که ناعادلانه در نظر گرفته می‌شوند، تولید و بازتولید کنند. از سوی دیگر همان‌طور که برخی از نظریه‌پردازان عدالت شهری مانند فاینشتاین بیان می‌کند در نظریات جدید عدالت در برنامه‌ریزی، فرایند و نتیجه برنامه‌ریزی از هم جدا نیستند. از نظر نیز دیکسی شکل و فرایند از هم‌دیگر تفکیک ناپذیرند. سوچا عنوان می‌کند که عدالت یا نا عدالتی فضایی را می‌توان هم به عنوان یک پیامد (نتیجه) و هم به عنوان یک فرایند مورد مشاهده قرارداد؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای عدالت فضایی نیز با هر دو مورد فرایندها و برآیندهای (نتایج) برنامه‌ریزی سروکاردارد. از این‌رو، در عدالت فضایی با رویکرد اصلی روبرو هستیم:

۱- عدالت فضایی توزیعی که در قالب الگوهای توزیعی که به خودی خود عدلانه / ناعادلانه هستند، در حوزه‌های جغرافیایی معنا می‌باشد؛

۲- عدالت فضایی ساختاری که به عنوان فرآیندهای شکل‌دهنده به فضا مورد بحث قرار می‌گیرند.

رویکرد اول، بر پایه پرسش‌های درباره توزیع فضایی و یا توزیع فضایی اجتماعی و تلاش برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی بر اساس نیازها و خواست شهروندان شکل‌گرفته است؛ مانند دسترسی به خدمات شهری، فرصت‌های شغلی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، کیفیت هوای خوب و... (Dufaux & Soja, 2009: 6). دو تا از محورهای برجسته در عدالت توزیعی که بر آن‌ها تأکید می‌شود، چگونگی وضعیت

چارچوب معرفت‌شناسانه به نام «دسته فضایی» شامل بازنمودهای فضا (فضای تصور شده)، فضای بازنمودی (فضای زیسته) و عمل‌های فضایی (فضای درک شده) تبیین می‌کند (مریفیلد، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

سوچا در تحلیل‌هایش در زمینه تولید و بازتولید فضا و عدالت فضایی از نظرات له فور الهام گرفته است. سوچا در یک مصاحبه در سال ۲۰۱۱ عنوان می‌کند که در نوشته‌های له فور یک دیدگاه فضایی در سال ۱۹۶۸ وجود داشت که نقطه کلیدی شروع کار من در زمینه عدالت فضایی بوده است (Soja et al, 2011). براین اساس تحلیل سوچا از فضا و عدالت فضایی نیز بر مفهومی از دیالکتیک اجتماعی فضایی استوار است. بدین معنی که فضای نه تنها توجه کش و روابط اجتماعی است بلکه نیروهای فضایی (شهری) نیز خود بر فرایندها و روابط اجتماعی تأثیرگذارند و آن‌ها را تولید و یا تغییر می‌دهند. سوچا در تحلیلش از فضا، آن را در کانون زندگی اجتماعی قرار می‌دهد (Soja, 2011: 100). از نظر سوچا عدالت فضایی به عنوان جانشین یا جایگزینی برای عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی یا شکل‌های دیگر عدالت به شمار نمی‌رود، بلکه روشی برای نگریستن به عدالت از دیدگاه فضایی انتقادی است. از این نظر، همیشه یک بعد فضایی مربوط به عدالت وجود دارد. به علاوه سوچا عنوان می‌کند که عدالت یا نا عدالتی فضایی را می‌توان هم به عنوان یک پیامد (نتیجه) و هم به عنوان یک فرایند مشاهده کرد. همچنان که الگوهای جغرافیایی یا توزیعی و نیز فرآیندهای ایجاد کننده این پیامدها (نتایج) نیز، به خودی خود عدلانه یا غیر عدلانه هستند. کشف نمونه‌هایی از نا عدالتی فضایی به طور توصیفی آسان است، اما تشخیص و درک فرآیندهای مهمی که موجب ایجاد یک جغرافیای ناعدalanه می‌شوند از سختی بسیار بیشتری برخوردار است (Soja, 2009).

دیکسی نیز، مفهوم‌سازی عدالت فضایی را در یک صورت‌بندی دیالکتیکی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این صورت‌بندی وی به «حالات فضایی نا عدالتی» و «نا عدالتی حالت فضایی» اشاره می‌کند. از نظر دیکسی مفهوم اول به این معنی است که عدالت دارای بعد فضایی بوده و بنابراین می‌توان از یک نگرش فضایی برای تشخیص نا عدالتی در فضا با تحلیل الگوهای توزیعی استفاده کرد. از طرف دیگر مفهوم دوم بر طرفیت ساختارهای موجود در تولید و بازتولید نا عدالتی از طریق فضا دلالت دارد. در مقایسه با مفهوم اول، نا عدالتی حالت فضایی پویاتر و فرایند گرا است (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۷). از نظر دیکسی، مفهوم عدالت فضایی، انتقادی از کنار گذاشتن، تسلط و سرکوب سیستماتیک است؛

محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است که کشف و طرح نمونه‌هایی از بی‌عدالتی فضایی به صورت توزیعی نسبتاً آسان است، اما شناسایی و درک فرآیندهای اساسی تولید مناطق جغرافیایی ناعادلانه بسیار سخت‌تر است (de Jeude & et al, 2016: 65).

مدل مفهومی و چارچوب نظری پژوهش

با توجه به نظریات مطرح شده، مجموعه جریان‌های فکری که به موضوع عدالت پرداختند را می‌توان در سه جریان (اصالت آزادی، طرفداران اصالت حق و پیروان اصالت کرامت) دستبندی کرد. سپس بهمنظور تبیین معیارهای عدالت فضایی ساختاری، در این بخش، برای هر یک از این سه متغیر کانونی، معیار ما به ازایی در نظر گرفته می‌شود که بر جنبه فضایی آن متغیر دلالت داشته باشد. این سه معیار عبارتند از مشارکت (وجه فضایی آزادی)، حق به شهر (جنبه فضایی حق) و توانمندسازی (نمود فضایی کرامت انسانی) که بر اساس آن‌ها، سند طرح جامع ارومیه (به عنوان یک مورد پژوهشی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا بدین طریق مشخص گردد که این طرح در رویه و فرآیند خود چگونه و از چه مسیری تحقق عدالت فضایی را در شهر طلب نموده است. در ادامه به تبیین این سه معیار پرداخته می‌شود.

۱- مشارکت شهروندی: همان‌گونه که در تعریف مفهوم معیار آزادی از نظر این مقاله آمد، یکی از مفاهیم کلیدی در این تعریف، «قدرت تعیین سرنوشت شهروندان» است. در این مطالعه، به پیروی از فاینشتاین، به جای مفهوم آزادی، از مفهوم مشارکت استفاده می‌شود. منظور از مشارکت شهروندی در این مقاله، سهیم شدن شهروندان در تدوین و اجرای سیاست‌ها و پیشنهادها بهمنظور اکتساب قدرت تعیین سرنوشت شهر است. ارنشتاین نرdbانی هشت پله‌ای از مشارکت شهروندی ترسیم می‌نماید که هر پله‌ای از آن میزان قدرت افراد را در مشارکت، درجاتی بالاتر از قدرت تصمیم‌گیری را به مشارکت‌کنندگان می‌دهد.

۲- حق به شهر: مفهوم حق به شهر، اولین بار از سوی لوفور مطرح شد. او حق به شهر را صورت‌بندی تغییر شکل یافته و نو شده‌ای از «حق Lefebvre, 2009(: زندگی شهری» می‌داند (158). همچنین هاروی نیز معتقد است که حق به شهر، حقی است که به موجب آن می‌توان خود را تغییر داد تا شهر تغییر کند. این حق، بیشتر از اینکه یک حق فردی باشد، حقی جمعی است؛ زیرا

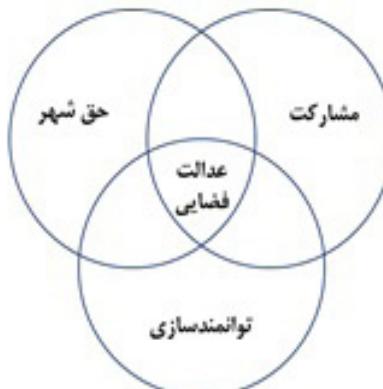
زندگی (هم محیط اجتماعی و هم محیط فیزیکی) و توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجازی) است (Martaez, 2009:390). برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم، میزان فاصله از خدمات بوده است. برخی دیگر هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات بر اساس نیازها، سلاطیق، اولویت‌ها ساکنان و استانداردهای خدمات رسانی تعریف کرده‌اند (Liao, et. Al, 2009:138).

به‌طور کلی باید گفت، عدالت فضایی توزیعی بیشتر به ارزیابی وضع موجود شهرها از منظر برابری‌های فضایی می‌پردازد. در این رویکرد، توزیع عادلانه منابع می‌تواند در چهار شکل: برابر مبنا (ارائه خدمات برابر به همه افراد)، جبرانی / نیاز مبنا (افرادی که نیاز بیشتری دارند خدمات بیشتری دریافت می‌کنند)، تقاضا مبنا (افرادی که تقاضای بیشتری برای بهره‌مندی از خدمات دارند، بیشتر دریافت می‌کنند) و سیستم بازار (خدمات متناسب با نظام بازار ارائه می‌شود) تأمین شود (Heckerta & Rosan, 2016: 265).

یک از این اشکال نیز با تأکید بر برآیندهای عادلانه از شاخص‌های متعددی چون توزیع جمعیت، توزیع خدمات، سرانه خدمات و دسترسی به خدمات به عنوان عناصر اصلی عدالت فضایی تأکید می‌کند. رویکرد دوم، بر فرآیندهای تصمیم‌سازی تأکید دارد. این رویکرد همچنین بازنمودهای فضایی، مکانی، هویتی و اعمال اجتماعی را شامل می‌شود؛ مانند وجود رویکردهای تبعیض‌آمیز در شکل‌دهی به فضای شهری Dufaux et al., 2009; Soja, 2009; Fainstein,) 2014). این جریان نظری نگاهی فرایندی و ساختاری به عدالت داشته و به دنبال رویه‌های عادلانه جهت تحقق عدالت فضایی و ریشه‌یابی بی‌عدالتی در شهر است. صورت‌بندی ساختاری از عدالت فضایی به عنوان یک گفتمان انتقادی، هدفش حذف تبعیض، کاهش فقر، جایی گرینی اجتماعی و سلطه است. اینچنین مفهوم‌سازی از عدالت فضایی در شهر، نیازمند شناخت بازیگران قدرت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و تحلیل روابط قدرت، ساختارها و فرآیندهای برنامه‌ریزی است (داداش پور و دیگران, ۱۳۹۴). همچنین نیاز امروز جامعه ما نیز کشف ساختارها و لایه‌های زیرین ایجاد کننده بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها است که متأسفانه مغفول مانده است. بر این اساس، هدف عدالت فضایی ساختاری، بررسی و ارزیابی فرآیندهای شکل‌دهنده به فضا است که در دو بخش برنامه‌های توسعه و قوانین و مقررات و ساختارهای مدیریتی حاکم بر برنامه‌ریزی از تأثیرگذارترین عوامل در این حوزه

این تحول به ناچار به اعمال قدرت جمعی برای تغییر شکل فرآیندهای شهرنشینی و استه است (Harvey, 2008: 23). سوچانیز از دیگر کسانی است که به موضوع حق به شهر پرداخته است. منظور از حق به شهر، «حق شهروندان برای زندگی در شهر به مثابه یک فضای فرهنگی غنی و متنوع است که به تمام ساکنان تعلق دارد و اینکه همه بدون هیچ‌گونه تبعیض جنسیتی، سنی، وضعیت سلامتی، درآمد، ملیت، نژاد، وضعیت مهاجرت و یا گرایش‌های سیاسی و دینی حق زندگی شهری و نگهداری هویت و خاطرات فرهنگی دارند».

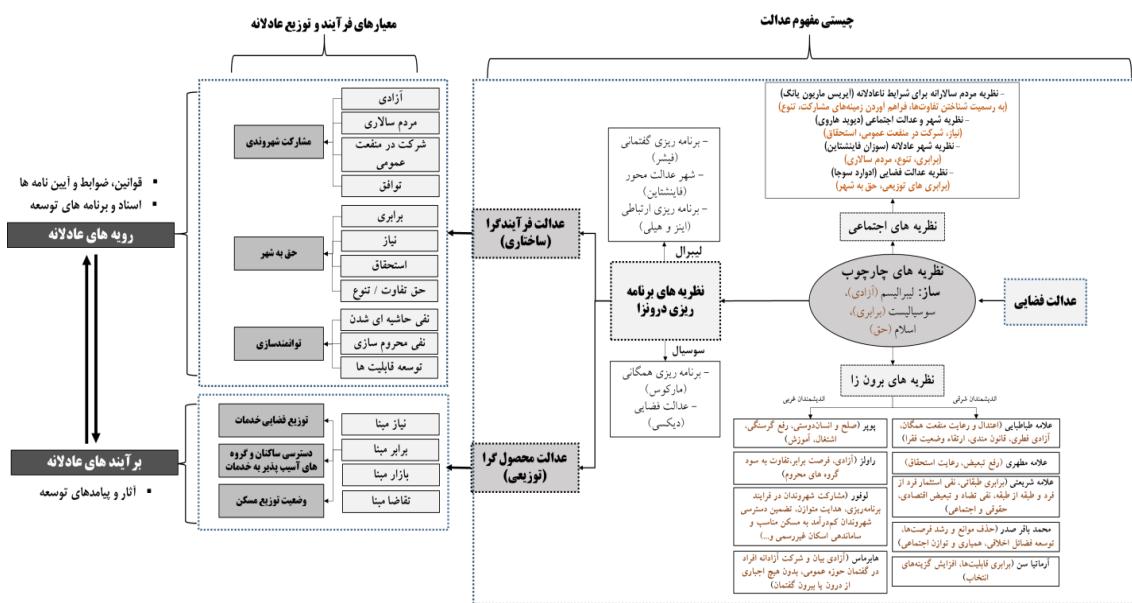
۳- توانمندسازی: همان‌گونه که اشاره شد معیار توانمندسازی به عنوان وجه فضایی کرامت انسانی در نظر گرفته شده است. توانمندسازی در فرهنگ آکسفورد «قدرتمند شدن»، «مجوز دادن» و «قدرت بخشیدن و توافا شدن» معنا شده است. توانمندسازی در اصطلاح عبارت است از رشد و پرورش استعدادها و ظرفیت‌های خاص شهروندان و گروه‌های مختلف شهری به منظور حضور حداکثری و مشارکت هرچه بیشتر آن‌ها، تصمیم‌گیری و رفتار آگاهانه و مسئولیت پذیرانه در اعمال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۷). فیتنمن (۲۰۰۵) توانمندسازی را برای شامل حمایت، آموزش، آزادسازی و آشکارسازی تعریف نموده است (فتایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶). همچنین، توانمندسازی محرک پاسخگویی و واکشن‌پذیری انسان و جوامع نسبت به مسائل زندگی‌شان است و شرایط را برای تغییر کردار آنان از انسان کارپذیر به انسان کارساز و کارآفرین آماده می‌سازد (Muigua, 2015: 28).



شکل ۱. بهسوی یک نظریه عدالت فضایی ساختاری

عدالت توزیعی در مقاله حاضر بر اساس دیدگاه «برابری فرصت‌ها» است و این دیدگاه بر این اصل استوار است که برای رسیدن به عدالت در جامعه باید، فرصت برابر برای همه آحاد جامعه در دسترسی به منابع و خدمات شهری تأمین گردد تا هر کس بر اساس توانایی و لیاقت خود از آن‌ها برخوردار شود. برنامه‌ریزی شهری عدالت محور تا زمانی که برابری فرصت‌ها را برای همه آحاد جامعه به رسمیت نشناسد و زمینه‌های لازم برای آن را به وجود نیاورد، شعاری بیش نخواهد بود. بر این اساس برنامه‌ریزی شهری عدالت محور باستی توزیع مکانی بهتر خدمات و تسهیلات، کاهش فاصله در محلات هدف با کمک‌ها و اقدامات جبرانی، بهبود دسترسی به تسهیلات و خدمات، بهبود حمل و نقل عمومی و بهبود کیفیت و گسترش زیرساخت‌های شهری، شبکه‌ای و مجازی را در دستور کار خود قرار دهد. در مقاله حاضر، قابلیت دسترسی شهروندان به خدمات شهری و توزیع فضایی خدمات شهری به عنوان معیارهای سنجش عدالت توزیعی مدنظر می‌باشد.

در شکل ذیل مدل مفهومی پژوهش براساس آنچه تاکنون گفته شده است، ارائه شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

تحلیل گفتمان، روشی است که عموماً در بازخوانی پیامها و اسناد مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش تجزیه و تحلیل، به بافت و بستر، تعییر و نایابداری و بررساختها در متن و بالاخره ذخیره‌های تفسیری به کار گرفته شده در متن توجه دارد. دوسوسور، زبان‌شناس سوئیسی، در تحلیل گفتمان به نظام «همنشینی و جانشینی» واژگان توجه دارد و می‌کوشد با واکاوی شیوه کنار هم قرار گرفتن کلمات، معنای ذهنی آن‌ها را تبیین نماید. به عبارتی در تحلیل نشانه‌شناسی گفتمانی دوسوسور، به نظام «همنشینی و جانشینی» واژگان توجه می‌شود و تلاش بر این است با واکاوی شیوه کنار هم قرار گرفتن کلمات یا واژگان، معنای متنی و برون‌متنی آن‌ها تبیین شود. در مقاله حاضر نیز، با توجه به تفاسیر متفاوت از واژه عدالت، کاربست این شیوه می‌تواند نشان دهد که طرح جامع ارومیه به چه مفاهیمی در پس واژگان عدالت توجه دارند. به عبارت دیگر، با بازخوانی اسناد طرح جامع ارومیه، مشخص خواهد شد که چه واژگانی در همنشینی و جانشینی با واژه عدالت قرار دارند. این روش کمک خواهد کرد که از طریق شبکه نشانه‌ها، مفهوم عدالت در اسناد این برنامه تبیین گردد. برای ارزیابی عدالت توزیعی نیز از معیار دسترسی ساکنان به خدمات و معیار توزیع فضایی خدمات بر اساس روش‌ها و مدل‌های فضایی در نرمافزار GIS استفاده می‌شوند. درنهایت با استفاده از مدل ماباک (MABAC)، نواحی ۱۵ گانه شهر ارومیه به لحاظ برخورداری جمعیت از خدمات رتبه‌بندی می‌شوند. تکنیک ماباک از جدیدترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است که برای

روش‌شناسی

مطالعه حاضر، پژوهشی بنیادی-کاربردی، قیاسی-استقرایی، ترکیبی (کمی و کیفی) و کتابخانه‌ای مبتنی بر مطالعه موردنی است که به ارزیابی عدالت فضایی ساختاری (سند طرح جامع ارومیه) و عدالت فضایی توزیعی (خدمات) می‌پردازد و از طریق بررسی اسناد و مدارک، به توصیف، اکتشاف و تبیین میزان تحقق عدالت در طرح جامع ارومیه و در توزیع فضایی خدمات و دستیابی ساکنین به آن‌ها اقدام می‌نماید. در ادامه به ارزیابی معیارهای عدالت فضایی ساختاری در سند طرح جامع ارومیه (مصطفوی سال ۱۳۸۸) و ارزیابی توزیع فضایی و دسترسی ساکنان به خدمات اقدام می‌شود که بسته به نوع معیارهای بهدست آمده، از روش‌های بازخوانی اسناد و مدارک در سنجش معیارهای عدالت ساختاری در طرح جامع ارومیه استفاده می‌شود که بر مبنای آن مشخص می‌گردد که برنامه توسعه ارومیه چگونه و تا چه حد برای تحقق عدالت تلاش کرده است. همچنین با اخذ اطلاعات کاربری‌های برداشت‌شده توسط معاونت شهرسازی و معماری شهرداری ارومیه در سال ۱۳۹۹ و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ شهر ارومیه که به تفکیک بلوک‌های آماری است، به سنبخت. عدالت توزیع. بدخلته م شود.

برای ارزیابی عدالت (ساختاری) در طرح جامع ارومیه از روش تحلیل گفتمان کیفی با تأکید بر شبکه نشانه‌شناسی فردینان دوسوسور استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها از زیبایی عدالت ساختاری

در این بخش، در ابتدا تلاش می‌شود تا با استخراج موارد کاربرد واژگان مربوط به عدالت، برابری، مساوات، تعادل، توازن و نظایر آن‌ها از متن سند چشم‌انداز، اهداف، راهبردها و سیاست‌های طرح جامع ارومیه و تحلیل محتوای سند، برای کشف معنای این واژگان در ذهن برنامه‌ریزان و تهیه‌کنندگان طرح جامع ارومیه تلاش شود. سپس به ارزیابی معیارهای سه‌گانه عدالت فضایی ساختاری (مشارکت، حق به شهر و توانمندسازی) پرداخته می‌شود.

در هیچ‌یک از چشم‌اندازهای ذکر شده در طرح جامع ارومیه، نمی‌توان عبارات و واژگان مستقیماً مربوط به عدالت را نظرهار کرد. ولی با این وجود، برخی از عبارات ذکر شده در میان این چشم‌اندازها تا حدودی می‌توانند در جهت ارتقای عدالت کارا باشند که در ادامه موربدرسی فرارگرفته است. در میان موارد ذکر شده در بخش چشم‌انداز طرح جامع ارومیه چنین آمده است: «ساماندهی و سازماندهی جابه‌جایی در شهر» و «دارای سازمان فضایی و ساختار کالبدی مناسب از طریق تأمین خدمات ساکنین، تقویت فضاهای شهری و عمومی، ایجاد مراکز شهری جدید...». در این دو عبارت که سطرهای هفتم و هشتم از چشم‌انداز شهر ارومیه را تشکیل می‌دهد، کلماتی نظیر «ساماندهی جابه‌جایی»، «ساختار کالبدی مناسب» در کنار واژگانی همچون «تأمین خدمات» و «تقویت فضاهای شهری و عمومی» آمده است. به نظر می‌رسد که این همشینی را باید این‌گونه تفسیر کرد که در این دو عبارت مفهوم عدالت بیش از هر چیز به معنی «دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های شهری» بوده است. تلقی‌ای که عدالت کالبدی است و از پرداختن به موارد اجتماعی و اقتصادی فاصله دارد. از دیگر موارد چشم‌انداز شهر ارومیه عبارت «شهری با فرهنگ شهری مناسب و تقویت شده از طریق گسترش امکانات گذران اوقات فراغت» که نشان می‌دهد که کاربرد مفهوم «فرهنگ شهری» در این چشم‌انداز کالبدی است و در حد و اندازه‌های مفاهیم بنیادین دیگری همچون «آزادی‌های مدنی»، «مشارکت اجتماعی» و یا «کرامت انسانی» ظاهر نشده است. همچنین، واژگان عدالت در چشم‌انداز به مواردی نظیر «قانون‌مداری» و «تنوع فرهنگی، قومی/دینی/اجتماعی» نیز اشاره شده است.

از عبارات اهداف ۴ گانه طرح جامع ارومیه که شامل «ساماندهی سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر»، «ارتقای کیفیت محیط شهری»، «ارتقای بازدهی عملکرد مدیریت شهری در فرآیند توسعه و عمران شهر»

رتبه‌بندی در مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده می‌شود. این روش اولین بار توسط پاموکار و سیروویچ (Pamučar & Ćirović, 2015) ارائه شد که به شرح ذیل است:

اولین گام در این روش تعیین عوامل و گزینه‌های پژوهش است. دومین گام تشکیل ماتریس تصمیم است. در گام سوم باید ماتریس تصمیم مرحله دوم را نرمال کرد. نرمال‌سازی با استفاده از روابط زیر صورت می‌گیرد. چنانچه معیارها جنبه مثبت داشته باشند از رابطه اول و چنانچه معیارها جنبه منفی داشته باشند از رابطه دوم استفاده می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{x_{ij} - x_i^-}{x_i^+ - x_i^-}$$

$$n_{ij} = \frac{x_{ij} - x_i^+}{x_i^- - x_i^+}$$

در گام چهارم با استفاده از رابطه زیر ماتریس نرمال، وزن دار می‌شود:

$$v_{ij} = w_i \cdot (n_{ij} + 1)$$

در گام پنجم با استفاده از رابطه زیر برای هر معیار یک مرز ناحیه شباهت مشخص می‌شود؛ در واقع باید از امتیازات هر معیار میانگین هندسی گرفته شود تا مرز ناحیه شباهت به دست آید.

$$gi = (\prod_{j=1}^m v_{ij})^{\frac{1}{m}}$$

در گام ششم با استفاده از رابطه زیر فاصله گزینه‌ها تا ناحیه g به دست می‌آید. در واقع باید ماتریس وزن دار را از ماتریس g کم کرد.

$$Q = V - G = \begin{bmatrix} v_{11} & v_{12} & v_{1n} \\ v_{21} & v_{22} & v_{2n} \\ v_{m1} & v_{m2} & v_{mn} \\ \hline g_1 & g_2 & g_n \\ \hline g_1 & g_2 & g_n \\ \hline g_1 & g_2 & g_n \end{bmatrix}$$

در گام هفتم با استفاده از رابطه زیر امتیاز نهایی هر گزینه مشخص شده و بر اساس آن گزینه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند.

$$S_i = \sum_{j=1}^n q_{ij}, \quad j = 1, 2, \dots, n, \quad i = 1, 2, \dots, m$$

و «توانمندسازی شهروندان برای مشارکت در توسعه و عمران شهر» است، برمی‌آید که نگاه تهیه‌کنندگان طرح جامع در زمان تدوین اهداف، عمدتاً کالبدی بوده است. اشاره به توانمندسازی شهروندان نیز در حد «رفع کمودهای خدماتی در محلات حاشیه‌ای» و «بازسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار» و امثال‌هم در نظر گرفته شده است که عمدتاً معطوف بعد کالبدی است.

راهبردها و سیاست‌های توسعه شهر ارومیه، به مرتب نسبت به اهداف، جامع‌نگرتر و کامل‌ترند. در جدول ذیل، راهبردها و سیاست‌هایی که کمایش با واژگان مرتبط با عدالت سروکار دارند، به تفکیک راهبردها عرضه شده است.

جدول ۲. تحلیل محتوای راهبردها و سیاست‌های طرح جامع ارومیه بر اساس تکنیک نشانه‌شناسی دوسوسور

راهبرد	سیاست	عدالت
تقویت سازمان فضایی عملکردهای شهری شهری	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت ساختار سلسله‌مراتبی برای عملکردهای شهری بهویژه خدمات شهری - ایجاد هسته‌ها و مراکز عملکردی-تخصصی در قسمت‌های مختلف شهر - ساماندهی هم‌جواری کاربری‌ها و پالایش هسته مرکزی شهر - بسترسازی برای ایجاد شهرچندمرکزی (با مرکزیت اصلی مرکز کنونی شهر) 	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون پالایش شهری و ایجاد شهرچندمرکزی (برای جلوگیری از دوقطبی شدن) جانشین واژه عدالت فضایی در شهر شده است. چنین به نظر می‌رسد که منظور از پالایش در سیاست‌های این راهبرد، همان ساماندهی مراکز و گستره‌های فعالیتی ناکارآمد بهویژه در مرکز شهر چون راه‌آهن، کارگاه‌ها، مخازن نفت، مراکز نظامی و...مراکز غیر جذاب شهری باشد. در این راستا جای گزینی فعالیت‌های ناکارآمد موجود شهری با فعالیت‌های تخصصی و نوین مدنظر تهیه‌کنندگان طرح بوده است. همچنین سیاست‌های این راهبرد از آن جهت در بحث عدالت اهمیت دارد که در آن به حمایت از مکان‌ها و مناطقی بهویژه در غرب پرداخته شده است که در حال حاضر از توسعه کافی برخوردار نیست. از این‌رو، عدالت به سمت حمایت از مناطق کم برخوردار غلتبه و هدف آن جلوگیری از دوقطبی شدن ادراک شده است.
تقویت ساختار کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> - تجمیع و تمرکز خدمات در پهنه‌های شهری مناسب - افزایش مزیت نسبی اراضی فاقد کاربری داخل شهر برای توسعه و استقرار کاربری‌های شهری در آن‌ها - جلوگیری از گسترش فیزیکی شهر - شناسایی پهنه‌های مستعد شهر برای بارگذاری (تراکم ساختمانی، تراکم فعالیتی و...) بیشتر 	- این راهبرد و سیاست‌های آن به دلیل اینکه به چگونگی استفاده از زمین اشاره دارد، در بحث عدالت مهم است. در این راهبرد به واژه عدالت به‌طور مستقیم اشاره نشده است، اما به نظر می‌رسد در آن افزایش بهره‌وری زمین جانشین عدالت شده باشد. از این‌رو، سیاست‌های اجرایی راهبرد حاضر به سمت توسعه درون‌زای شهر (جلوگیری از رشد فیزیکی شهر) و استفاده بهینه از زمین در قالب افزایش تراکم ساختمانی و فعالیتی، تجمیع و تمرکز خدمات و بازیابی اراضی شهری بهخصوص اراضی بایر نزدیک شده است.
ارتقای کیفیت سکونت	<ul style="list-style-type: none"> - تعدیل یا رفع کمبود سرانه زمین خدمات عمومی و تأسیسات و تجهیزات شهری مرتبط با سکونت - ایجاد امکانات لازم برای سکونت جمعیت رو به تراپید شهر - تقویت ساختار سلسله‌مراتبی برای عملکردهای شهری بهویژه خدمات افزایش بارگذاری (تراکم ساختمانی و جمیتی) اراضی مسکونی متناسب با ظرفیت و امکانات آن‌ها - ارائه خوبایت تشویقی در جهت تجمیع اراضی مسکونی، انبوه‌سازی و بلندمرتبه‌سازی 	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون تأمین خدمات موردنیاز سکونت و جمعیت در حال و آینده، استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود برای افزایش بهره‌وری زمین (افزایش بارگذاری و رائمه خوبایت تشویقی تجمیع و بلندمرتبه‌سازی)، جانشین واژه عدالت در شهر شده است. با این‌حال تأکید اصلی سیاست‌های این راهبرد به سمت «عدالت به معنای تعديل نابرابری‌ها در دسترسی همه شهروندان به خدمات شهری» را در نظر دارد

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روانسازی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۵۷

راهبرد	سیاست	عدالت
ارتقای کیفیت محیط کار و فعالیت	- ساماندهی فعالیت‌های مزاحم شهری و انطباق هم‌جواری فعالیت‌ها - تعیین محل‌های مناسب برای تمرکز استقرار فعالیت‌های اقتصادی - ایجاد واحدهای بزرگ اقتصادی - ارائه ضوابط و مقررات انعطاف‌پذیر برای استقرار واحدهای کار و فعالیت	نگاه طرح جامع ارومیه به مقوله عدالت در ارتقای کیفیت محیط کار و فعالیت، عمدهاً معطوف بعد کالبدی آن بوده و تکیه اصلی برنامه‌ریزان، بر ساماندهی محیط‌های کسب‌وکار (بازیافت فعالیت‌های مزاحم شهری) و ارائه ضوابط و تأمین اراضی موردنیاز برای استقرار واحدهای کار و فعالیت می‌باشد.
ارتقای کیفیت محیط‌گذaran اوقات فراغت	- ایجاد و تقویت فضاهای سبز و باز عمومی در قسمت‌های مختلف سازمان‌های فضایی- عملکردی شهر - حفاظت از عناصر تاریخی و طبیعی شهر و تقویت نقش آن‌ها در محیط پیرامونی خود	این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن بر اهمیت فضاهای عمومی تأکید می‌کند. همان‌گونه که در فصل مبانی نظری مشخص شد، هایبر ماس ضمن بازسازی اندیشه‌های اجتماعی مارکس، عدالت را در عرصه‌های عمومی جستجو می‌کند. هم‌شنبینی واژگان عدالت و فضا در سیاست‌های این راهبرد بسیار جالب‌توجه است.
ارتقای کیفیت محیط‌آفرینی و آفاق امنیتی	- تقویت نقش عملکرد حمل و نقل عمومی در جایه‌جایی‌های داخل شهر - ایجاد مسیرهای حرکت پیاده در محورهای مناسب شهر - تکمیل شبکه معابر شهر و تقویت عملکرد سلسله‌مراتبی شبکه معابر	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون «توسعه حمل و نقل همگانی» و «تأمین دسترسی همگان»، جانشینی واژه عدالت در شهر شده است
ارتقای عملکرد و بخشی و میان‌بخش سازمان‌های مدیریت شهری	- ایجاد انطباق بین برنامه‌ها و طرح‌ها و پروژه‌های دستگاه‌های بخشی مدیریت شهری با تحولات توسعه‌ای پیشنهادی در طرح جامع شهر - یافتن راهکارهای جلوگیری از سوداگری و بورس‌بازی زمین - انتخاب روش‌های اجرای طرح‌های توسعه و عمران شهر در راستای تأمین منافع عمومی و جمعی شهر ونдан و ارجحیت بر منافع خصوصی	- این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن نشان می‌دهد که مشارکت بخشی و بین بخشی در راستای اجرای هرچه بهتر طرح جامع در بین سازمان‌های مدیریت شهری بهویژه شهرداری تأکید شده است. همچنین به مسئله رانت و بورس‌بازی زمین در ارومیه توجه دارد و بی‌آنکه راه حلی ارائه دهد، آن را گوشزد می‌کند. به‌حال این مسئله از چالش‌هایی است که در سالیان گذشته همواره عدالت را در شهر ارومیه تهدید کرده است. همچنین، طرح جامع با اصالت قائل شدن بر تأمین منافع عمومی و جمعی شهر ونдан و تقدم آن بر منفعت خصوصی، از یکسو به مفهوم چپ‌گرایانه عدالت نزدیک می‌شود.
توانمندسازی شهر ونдан کم‌درآمد و ساکن در محله‌های حاشیه‌ای و مسئله‌دار	- بازسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده، ناکارآمد و مسئله‌دار شهر - تدوین و اجرای برنامه‌های توانمندسازی برای محلات و جوامع نیازمند به آن در شهر - تقویت سهم مسکن اجتماعی و استیجاری در برنامه‌های توسعه مسکن بخش دولتی - پذیرش لزوم پرداخت یارانه به برخی از ساکنان شهر برای تسهیل و تسريع انطباق وضعیت زندگی و کار آنان با استنادهای موردنظر	- عدالت فضایی در راهبرد و سیاست‌های آن به مثابه توانمندسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار در نظر گرفته شده است. درواقع این راهبرد را می‌توان به خاطر تأکید بر مسکن و توجه به مسئله حاشیه‌نشینی ارزشمند دانست. همچنین، صرف‌نظر از ادبیات مغشوش به کار گرفته شده در سیاست «پرداخت یارانه»، می‌توان آن را به خاطر تأکید بر ارتقای کیفیت زیست ساکنین در محلات فرسوده در قالب پرداخت یارانه حائز اهمیت دانست.
ارتقای مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌های توسعه شهر	- پذیرش حق سرمایه‌گذاران در توسعه و عمران شهر در کسب سود و منفعت شخصی - تعریف و پیشنهاد پروژه‌های سودمند به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی	این راهبرد و سیاست‌های آن به موضوع مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌های توسعه شهری اشاره کرده است؛ اما آیا می‌توان با وجود سیاست ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی، تعارض منافع بین منافع عمومی و خصوصی را حل و فصل نمود، طوری که منافع عمومی در اولویت باشد؟

برای جمع‌بندی واژگان هم‌نشین عدالت در سند طرح جامع ارومیه، شکل ذیل، ترسیم گردید. به عنوان جمع‌بندی می‌توان اظهار کرد که طرح جامع در هر ۴ بخش موردمطالعه (چشم‌انداز، اهداف، راهبردها و سیاست‌ها) ولو به صورت غیرمستقیم، به مفاهیم مرتبط با عدالت متوجه است. منظور از عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه، دسترسی همگان به زیرساخت‌های شهری و تأمین حداقل‌ها برای همه است. درواقع، تعییر سند از عدالت فضایی بیشتر بر بعد کالبدی معطوف است. بدین معنا، در بیشتر موارد، عدالت در سند طرح جامع به معنی «توزیع متعادل کاربری‌های خدماتی و فضای سبز، توسعه شبکه معتبر و حمل و نقل عمومی، تقویت فضاهای عمومی، نوسازی بافت فرسوده و پالایش فعالیت‌ها» در نظر گرفته شده است.



شکل ۳. نشانه‌شناسی کاربرد واژگان هم‌نشین و جانشین مرتبط با عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه

مطابق تحلیل محتوای سند، آنچه از «مشارکت» در سند طرح جامع ارومیه مطرح شده، تنها مشارکت بخشی و بین بخشی و مشارکت بخش خصوصی است و اصلاً توجهی به مشارکت شهروندان نشده است. نتایج نشان می‌دهد که نه تنها مشارکت شهروندی نه تنها در متن سند و در روند تهیه طرح دیده نشده، بلکه حتی مشارکت بخشی و بین بخشی گفته شده در متن سند نیز به شکل جدی دنبال نشده است، لذا تهیه طرح پشت درهای بسته صورت گرفته است؛ بنابراین، اگر بنا باشد سطح مشارکت شهروندان در طرح جامع ارومیه مشخص گردد، این مشارکت در باب تقدیر سطح خود را مده است.

یافته‌های حاصل از مطالعات اسنادی، نشان‌دهنده تقلیل دادن مفهوم حق به شهر به «حق دسترسی به خدمات و شبکه حمل و نقل عمومی بِرای همه» است. این تصویر، اگرچه بخشی از حقوق شهروندان برای زندگی شهری را پوشش می‌دهد، اما عمدتاً با نگاهی کالبدگرایانه به شهر می‌نگرد و حق شهروندان برای برخورداری از فضای با هویت و با فرهنگ غنی را نادیده می‌گیرد. طرح جامع حتی در مواردی به تضییع حقوق طبقه محروم نیز دامن زده است. برای مثال، طبق گزارش شهرداری ارومیه از چالش‌های طرح جامع ارومیه (مصوب سال ۱۳۸۸)، میزان ساخت‌وسازها به‌ویژه در جنوب شهر (محل سکونت اقشار پردرآمد) به دلایل منافع اقتصادی بیشتر به سمت افزایش تعداد واحدهای مسکونی و افزایش حجم ساخت‌وسازها شده است که بازتاب چنین رخدادی را می‌توان در افزایش نرخ قیمت زمین و مسکن در شهر ارومیه به‌ویژه جنوب شهر که پافت توسعه یافته دارد، مشاهده نمود. لذا اقدامات

طرح جامع باعث رشد بیشتر قیمت در جنوب شهر شده است که این تبعیض و جلوهای از بی عدالتی است؛ بنابراین، طرح جامع ارومیه از حیث معیار حق به شهر نیز وضعیت مناسبی ندارد.

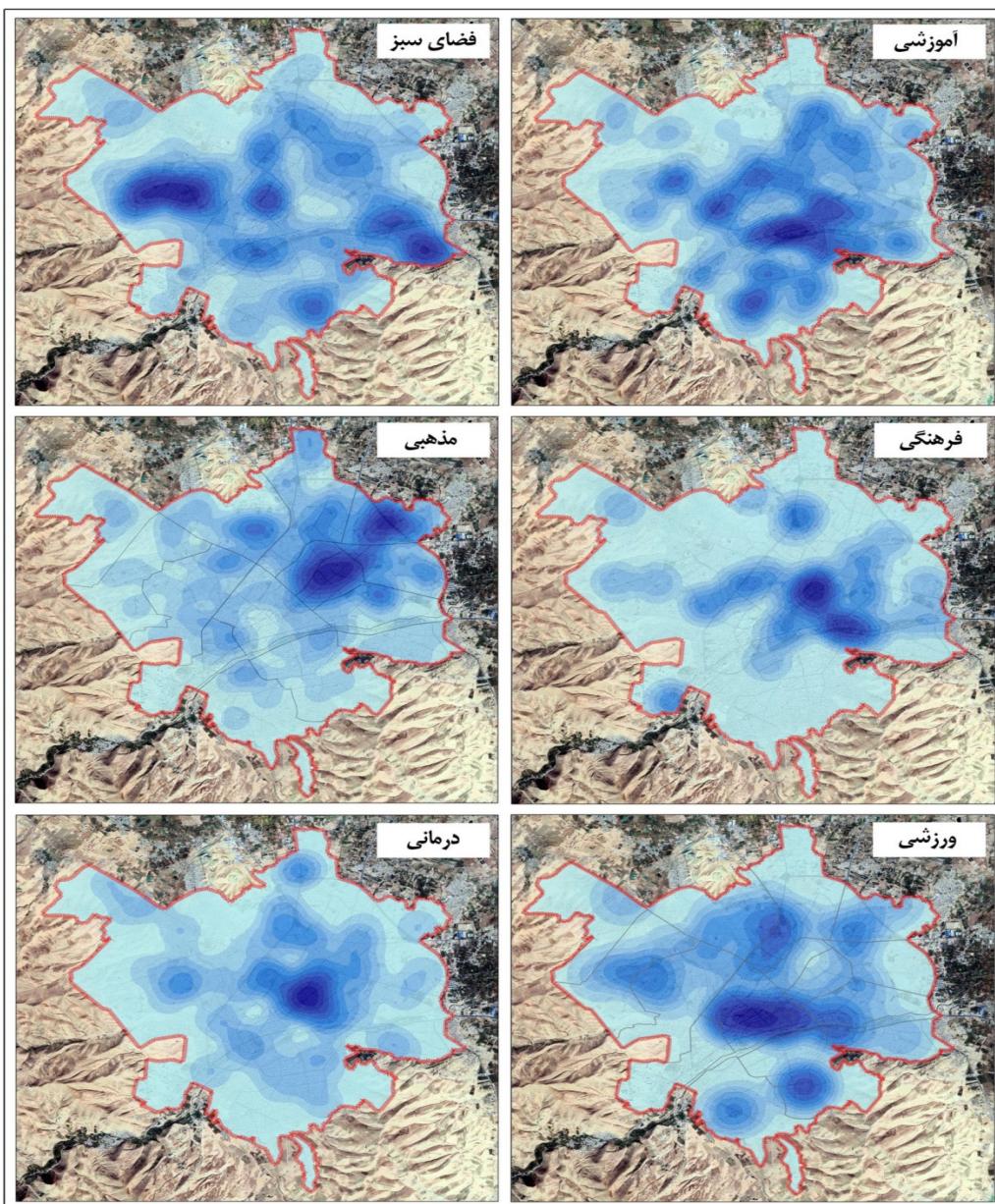
ارزیابی عدالت توزیعی

نتایج شاخص نزدیکترین همسایگی نشان می دهد که در مجموع الگوی پراکنش فضایی کاربری ها به جز ورزشی به صورت خوشی می باشد. این مسئله بیانگر تمرکز کاربری ها (به جز ورزشی) در بخشی از شهر و در نتیجه برخورداری بیشتر منطقه ای خاص و کم برخورداری سایر مناطق و محرومیت آن ها از این تسهیلات است. از طرفی توزیع فضایی کاربری ورزشی از الگوی تصادفی تبعیت می کند، یعنی این کاربری در مکان های خاصی تمرکز نیافرده است و به صورت تصادفی در سطح شهر پخش شده اند. همچنین وضعیت توزیع کاربری ها در مقیاس های مختلف عملکردی نیز در حداو، ذیل، نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج محاسبات ضریب نزدیک‌ترین همسایگی کاربری‌ها (و شامل مقیاس‌های مختلف عملکردی) شهر ارومیه

کاربری	مشاهده شده	متوسط فاصله	موردنظر	نسبت نزدیک ترین همسایگی	امتیاز استاندارد شده (Z)	مقدار احتمال	الگوی توزیع
فرهنگی	۲۱۹۰/۴۸۱	۵۰۳۷/۶۰۱	۸۰۰۰۳۷/۰	-۰۵۰۸۶۳۴/۲	۰۰۱۲۱۲۰	خوشبازی	درمانی
مذهبی	۰۸۳۰/۳۰۱	۰۷۱۰/۴۰۳	۷۴۶۹۷۳/۰	-۹۶۸۶۱۶/۷	۰۰۰۰۰۰۰	خوشبازی	
محلی	۱۶۹۴/۵۹۸	۲۰۵۸/۶۹۵	۶۹۶۳۰۴/۰	-۳۰۲۹۶۲/۷	۰۰۰۰۰	خوشبازی	
شهری	۲۱۴۱/۵۱۱	۲۹۱۴/۵۵۴	۶۳۳۲۰۰/۰	-۹۰۳۷۴۸/۸	۰۰۰۰۰	خوشبازی	
کل	۱۲۵۸/۴۰۵	۹۳۰۶/۴۵۹	۷۶۲۵۲۲/۰	-۹۱۴۱۲۷/۴	۰۰۰۰۰	خوشبازی	
مهندکودک	۲۷۶۰/۴۰۶	۲۵۴۸/۴۳۸	۹۲۷۰۳۱/۰	-۳۸۸۹۹۴۲/۱	۰۱۶۴۸۵۰	تصادفی	
دبستان	۰۱۲۸/۵۸۸	۲۵۰۳/۷۲۱	۸۱۵۲۶۹/۰	-۱۰۱۱۰۶/۳	۰۰۰۰۱۹۲۸	خوشبازی	
راهنمایی	۸۹۹۰/۵۸۸	۵۷۶۷/۵۶۷	۱۰۰۳۷۵۶۷	۴۶۰۱۸۴/۰	۰۶۴۵۳۸۴	تصادفی	
دبیرستان	۸۸۰۸/۴۷۲	۵۴۳۴/۴۷۳	۹۹۸۶۰۱/۰	-۰۲۰۳۸۸/۰	۰۹۸۳۷۲۴	تصادفی	
کل	۱۹۱۶/۲۱۰	۵۵۸۶/۳۹۷	۰۵۲۸۷۰۶	-۹۵۱۶۵۲/۱۴	۰۰۰۰۰	خوشبازی	
محله‌ای	۳۸۸۸۲۱/۲۶۷	۹۱۰۸/۸۴۲۵	۶۲۷۸۰۵/۰	-۷۶۷۳۹۲/۷	۰۰۰۰۰/۰	خوشبازی	فضای سیز
ناحیه‌ای	۵۶۹۰/۴۷۸	۵۰۰۲/۵۵۳	۸۶۴۶۲۲/۰	-۸۸۵۴۴۴/۱	۰۰۰۹۳۷۰	نسبتاً خوشبازی	
شهری	۷۹۶۹/۳۷۰	۴۹۲۳/۵۳۴	۶۹۳۷۳۷/۰	-۸۴۲۰۲۵/۳	۰۰۰۰۰	خوشبازی	
کل	۲۷۳۷/۲۰۶	۶۶۹۲/۳۱۷	۶۴۹۳۴۴۵/۰	-۸۳۶۵۰۵/۹	۰۰۰۰۰	خوشبازی	
محله‌ای	۲۱۲۷/۲۵۳۳	۳۹۴۰/۱۲۶۰	۰۰۹۸۵۸/۲	۷۳۲۲۳۹/۴	۰۰۰۰۰۰۲	پراکنده	ورژنسی
ناحیه‌ای	۸۹۰۳/۲۷۹۰	۱۸۸۲/۱۷۷۸	۵۶۹۵۱۳/۱	۲۶۸۵۵۷/۳	۰۰۰۱۰۸۱	پراکنده	
شهری	۲۶۷۱/۸۶۰	۰۲۵۹/۷۶۸	۱۲۰۱۰۲/۱	۱۲۵۶۰۱/۱	۰۲۶۰۳۳۳	تصادفی	
کل	۱۷۲۶/۹۰۹	۹۰۶۲/۱۰۱۱	۸۹۸۴۷۵/۰	-۲۱۲۹۲۹/۱	۰۲۲۵۱۵۷	تصادفی	

نتایج تراکم کرنل و بیضی انحراف از معیار نشان می‌دهد که تراکم برخورداری از کاربری فرهنگی در نواحی مرکزی شهر قابل مشاهده است، به طوری که بیشترین تراکم مربوط به نواحی منطقه ۴ است نقطه مرکز متوسط خدمات فرهنگی نیز در مرکز شهر ارومیه و در پیرامون بافت تاریخی این شهر قرار گرفته است. تراکم کاربری مذهبی بیشتر در نواحی قدیمی و حاشیه‌ای می‌باشد، به طوری که بیشترین تراکم مربوط به نواحی مناطق ۲ و ۴ است. تراکم کاربری‌های درمانی (چه مقیاس محلی و چه مقیاس شهری) بیشتر در نواحی مرکزی شهر قابل مشاهده است، به طوری که بیشترین تراکم مربوط به نواحی ۱، ۲ و ۴ از منطقه ۴ و ناحیه ۱ از منطقه ۵ است. بیشترین تراکم کاربری آموزشی شامل مهدکودک، دبستان، راهنمایی و دبیرستان بیشتر در نواحی توسعه‌یافته و مرکزی شهر مشاهده است. در رابطه با تراکم برخورداری از کاربری فضای سبز می‌توان گفت که درمجموع برخورداری نواحی مرتفع و توسعه‌یافته از فضای سبز بیشتر از سایر نواحی می‌باشد. درنهایت، تراکم کاربری ورزشی بیشتر در نواحی مرکزی و جدید شهر ارومیه قابل مشاهده است. درمجموع می‌توان گفت که اکثر کاربری‌ها در نواحی مرکزی شهر متتمرکز شده‌اند.



شکل ۴. تراکم کرنل کاربری‌های شهر ارومیه

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روانسازی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۶۱

می باشد. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۱، ۲ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵ در سطح "برخوردار" و نواحی ۱ و ۳ منطقه ۱ و ناحیه ۳ منطقه ۳، در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات رسانی و شعاع دسترسی کاربری آموزشی (بر اساس سرانه کاربری‌های شهری دکتر حبیبی)، ۵۰۰ متر برای مهدکودک، ۸۰۰ متر برای دبستان، ۱۲۰۰ متر برای راهنمایی و ۱۵۰۰ متر برای دبیرستان در بین نواحی و مناطق شهر ارومیه مورد مقایسه قرار گرفته است. حدود ۳۲ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش مهدکودک نیستند. حدود ۱۸ درصد جمعیت شهر که یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع دبستان نیستند. حدود ۱۹ درصد جمعیت شهر که تقریباً یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع راهنمایی قرار ندارند. حدود ۵ درصد جمعیت شهر که حدود ۱۵ درصد مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع دبیرستان نمی‌باشند. نواحی ۱ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵ به لحاظ برخورداری از آموزشی در سطح "برخوردار" و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۳ منطقه ۲، در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات رسانی و شعاع دسترسی فضای سبز (بر اساس سرانه کاربری‌های شهری دکتر حبیبی)، ۳۷۵ متر برای مقیاس محله‌ای، ۷۵۰ متر برای مقیاس ناحیه‌ای و ۱۵۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. حدود ۵۳ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش کاربری فضای سبز محله‌ای نیستند و حدود ۴۲ درصد جمعیت شهر که نیمی از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش فضای سبز ناحیه‌ای نیستند و حدود ۲۰ درصد جمعیت شهر که تقریباً یک‌چهارم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش فضای سبز مقیاس شهری نیستند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۱، ۲ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از سطح "برخوردار" قرار دارند و ناحیه ۳ منطقه ۳ نیز در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات رسانی و شعاع دسترسی کاربری ورزشی (بر اساس مطالعات تفصیلی توسعه ورزش کشور)، ۵۰۰ متر برای مقیاس محله‌ای، ۱۰۰۰ متر برای مقیاس ناحیه‌ای و ۲۰۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. حدود ۹۲ درصد جمعیت که تقریباً ۹۰ درصد از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش کاربری ورزشی محله‌ای نیستند و حدود ۶۵ درصد جمعیت شهر که ۷۵ درصد از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش

قابلیت دستیابی ساکنان به خدمات از منظر قرارگیری در محدوده خدمات رسانی و میزان پاسخ‌دهی خدمات به جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این‌رو، بر اساس فاصله استاندارد کاربری‌ها به بررسی درصد جمعیت تحت پوشش خدمات، خانوار و مساحت در مقیاس‌های مختلف عملکردی پرداخته شد. در نهایت نواحی ۱۵ گانه ارومیه به لحاظ برخورداری از خدمات و براساس متغیرهای درصد جمعیت تحت پوشش، درصد مساحت تحت پوشش، درصد خانوار تحت پوشش، میانگین دسترسی به نزدیک‌ترین کاربری‌ها در شهر ارومیه با مدل ماباک اقدام شد. در ادامه نتایج بهطور خلاصه آورده شده است:

شعاع دسترسی کاربری فرهنگی (بر اساس ضوابط شورای عالی معماری و شهرسازی ایران)، ۶۰۰ متر در نظر گرفته شده است که ۳۶٪ درصد از جمعیت شهر ارومیه تحت پوشش خدمات فرهنگی می‌باشد و ۶۳٪ درصد جمعیت که نزدیک به ۷۰ درصد از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش خدمات فرهنگی نیستند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی چهارگانه منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از خدمات فرهنگی در سطح "برخوردار" قرار دارند و نواحی ۳ و ۲ منطقه ۱ و ناحیه ۳ منطقه ۲ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات رسانی و شعاع دسترسی کاربری مذهبی، ۴۰۰ متر در نظر گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که حدود ۸۲ درصد از جمعیت شهر ارومیه تحت پوشش کاربری مذهبی در نظر گرفته شده است. حدود ۶۰ درصد از مساحت شهر ارومیه تحت پوشش کاربری مذهبی قرار دارد. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۲، ۳ و ۴ منطقه ۴ و نواحی ۳ گانه منطقه ۲، به لحاظ برخورداری از خدمات مذهبی در سطح "برخوردار" و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۱، نواحی ۲ و ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۲ منطقه ۵ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات رسانی و شعاع دسترسی خدمات درمانی (بر اساس ضوابط شورای عالی معماری و شهرسازی ایران)، ۷۵۰ متر برای مقیاس محلی و ۱۵۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. حدود ۳۳٪ جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش خدمات درمانی محلی نیستند و حدود یک‌چهارم جمعیت شهر که یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات درمانی شهری قرار ندارند. درمجموع، منطقه ۱ با میانگین حدود ۶۰ درصد جمعیت تحت پوشش خدمات درمانی پایین‌ترین میزان را دارد و بهترین وضعیت نیز مربوط منطقه ۴ با میانگین حدود ۸۸ درصد میزان تحت پوشش قرار گرفتن جمعیت

کاربری ورزشی ناحیه‌ای قرار ندارند و حدود ۱۶ درصد از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش ورزشی مقیاس شهری نمی‌باشند. ناحیه ۲ منطقه ۱ و نواحی ۱ و ۲ منطقه ۴ به لحاظ برخورداری از ورزشی در سطح "برخوردار" و ناحیه ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۲ منطقه ۵ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

جدول ۴. درصد جمعیت تحت پوشش کاربری‌ها در نواحی و مناطق ارومیه

آموزشی				درمانی		مذهبی	فرهنگی	منطقه / ناحیه	
دیبرستان	راهنمایی	دبستان	مهدکودک	شهری	محلي			منطقه ۱	منطقه ۲
۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۶۸	۵۸/۰۵۱	۲۴/۸	۵۷/۴	۸۵/۷۵	۳۹/۵۵	۱	منطقه ۱
۱۰۰	۹۲/۱۵	۹۰/۱۹	۸۱/۰۴	۹۹/۹	۷/۵۲	۶۱/۷۸	۱۹/۷۶	۲	
۱۰۰	۹۵/۳۹	۹۰/۶۹	۸۰/۰۵	۳/۷۱	۵/۳۹	۴۸/۸۲	۳/۳۱	۳	
۱۰۰	۹۵/۸۹	۹۲/۵۹	۷۶/۰۳	۷۴/۱	۴۸/۷	۶۱/۸۰	۱۷/۶۴	کل	
۸۸/۹۹	۶۴/۸۴	۸۷/۴۵	۹۷/۴۷	۵۸/۵	۸۱/۵	۱۰۰	۲۳/۳۳	۱	منطقه ۲
۸۲/۵۲	۸۳/۷۲	۷۹/۸۵	۷۶/۷۸	۹۱/۶	۵۴/۷	۹۸/۷۱	۲۹/۴۴	۲	
۹۹/۳۱	۵۷/۴۵	۲۲/۰۶	۱۴/۸۲	۶۳/۴	۹/۴۶	۹۶/۹۷	۸/۳۲	۳	
۹۰/۴۲	۶۸/۷۶	۶۱/۵۷	۶۰/۹۲	۷۱/۷	۵۹/۹	۹۸/۴۸	۲۰/۱۱	کل	
۹۵/۱۴	۸۷/۶۳	۹۰/۸۲	۵۵/۱۸	۹۶/۶	۷۱/۳	۸۶/۳۷	۴۴/۱۸	۱	منطقه ۳
۹۳/۷۶	۴۶/۷۸	۷۲/۲۹	۶۸/۵۷	۵۴/۶	۵/۷۰	۶۶/۷۷	۲۳/۷۳	۲	
۷۱/۵۸	۷۹/۸۰	۷۰/۵۶	۱۵/۵۶	۰	۷۳/۹	۵۸/۶۷	۳۸/۴۲	۳	
۹۰/۹۳	۷۳/۳۵	۸۱/۶۷	۵۳/۱۲	۶۷/۸	۵/۷۱	۷۵/۶۹	۳۶/۷۴	کل	
۱۰۰	۹۱/۶۱	۱۰۰	۹۶/۱۸	۸/۸۲	۹۰/۳	۷۴/۸۱	۸۹/۸۲	۱	منطقه ۴
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۲/۵۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۳/۷۴	۲	
۹۵/۰۷	۶۲/۹۹	۹۱/۸۵	۸۲/۵۵	۵/۸۶	۶۸/۵	۹۹/۳۱	۶۰/۱۹	۳	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۷/۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰/۷۹	۴	
۹۸/۲۴	۸۴/۰۷	۰۹/۹۷	۷۷/۰۱	۸۹/۵	۸۵/۶	۹۱/۵۳	۷۵/۵۶	کل	منطقه ۵
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۰	۸۹/۹۱	۷۹/۰۹	۱	
۸۷/۲۳	۸۰/۴۸	۷۶/۵۹	۷۳/۱۸	۸۶/۸	۵۳/۹	۵۶/۲۶	۲۲/۸۴	۲	
۹۴/۶۶	۹۱/۸۴	۹۰/۲۲	۸۸/۷۹	۹۴/۵	۸۰/۱	۷۵/۸۵	۵۵/۵۹	کل	
۹۴/۵۳	۸۰/۷۹	۱۳/۸۲	۶۷/۸۷	۷۷/۹	۶۶/۲	۸۱/۷۷	۳۶/۲۳	شهر ارومیه	

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

ادامه جدول ۴. درصد جمعیت تحت پوشش کاربری‌ها در نواحی و مناطق ارومیه

ورزشی			پارک و فضای سبز			منطقه / ناحیه
شهری	ناحیه‌ای	محله‌ای	شهری	ناحیه‌ای	محله‌ای	
۷۶/۱۸	.	۴۷/۳۹	۱۰۰	۲۱/۵۷	۸۸/۵۱	۱
۱۰۰	۵۵/۸۵	۱۷/۵۴	۹۸/۰۹	۱۰/۷۴	۷۷/۳۷	۲
۱۰۰	۵۳/۷۷	.	۶۹/۹۳	۳۲/۷۴	۵۸/۴۲	۳
۹۵/۱۹	۴۳/۸۰	۱۷/۰۴	۸۸/۰۰	۲۱/۱۲	۷۲/۵۷	کل
۱۰۰	۵۹/۶۳	.	۱۰۰	۴۷/۴۶	۲۰/۴۸	۱
۹۰/۰۳	۱۶/۵۸	.	۹۵/۷۹	۶۶/۶۹	۳۴/۸۲	۲
۱۰۰	.	.	۶۷/۵۸	۳۷/۷۲	۵/۳۸	۳
۹۶/۵۴	۲۳/۵۱	.	۸۷/۰۱	۵۰/۶۶	۲۰/۰۸	کل
۹۵/۲۰	۲۸/۳۸	۱۶/۴۶	۵۸/۱۳	۸۷/۹۳	۶۱/۵۸	۱
۹۶/۰۸	۳۸/۱۰	.	۵۹/۰۱	۹۶/۳۹	۳۳/۰۸	۲
۶۲/۱۷	۰/۶۰	۱۸/۴۴	۲/۷۲	۹۲/۰۳	۲۳/۰۵	۳
۹۰/۲۰	۲۷/۰۴	۱۱/۵۳	۴۹/۵۵	۹۱/۲۸	۴۶/۳۳	کل
۹۵/۷۸	۷۱/۳۴	۸/۳۵	۱۰۰	۸۳/۶۰	۴۱/۵۹	۱
۱۰۰	۳۴/۶۵	۳۲/۲۵	۱۰۰	۹۶/۴۷	۶۹/۱۸	۲
۵۷/۶۶	۴۵/۶۴	۷/۵۴	۹۹/۷۶	۳۲/۳۵	۴۶/۴۱	۳
۱۰۰	۷/۷۵	.	۱۰۰	۸۶/۲۱	۴۹/۲۹	۴
۸۳/۵۴	۴۵/۷۹	۹/۹۴	۹۹/۹۱	۶۷/۶۱	۴۸/۵۴	کل
۱۰۰	۵۴/۳۷	.	۸۶/۸۲	۷۴/۹۱	۶۹/۶۸	۱
۶۹/۱۰	۳۳/۴۰	.	۶۴/۰۱	۸۴/۱۳	۵۹/۸۵	۲
۸۷/۰۹	۵۱/۴۳	.	۷۷/۲۹	۷۸/۷۶	۶۵/۵۸	کل
۹۱/۶۶	۳۵/۳۶	۸/۳۸	۸۰/۳۱	۵۸/۳۲	۴۷/۱۵	شهر ارومیه

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

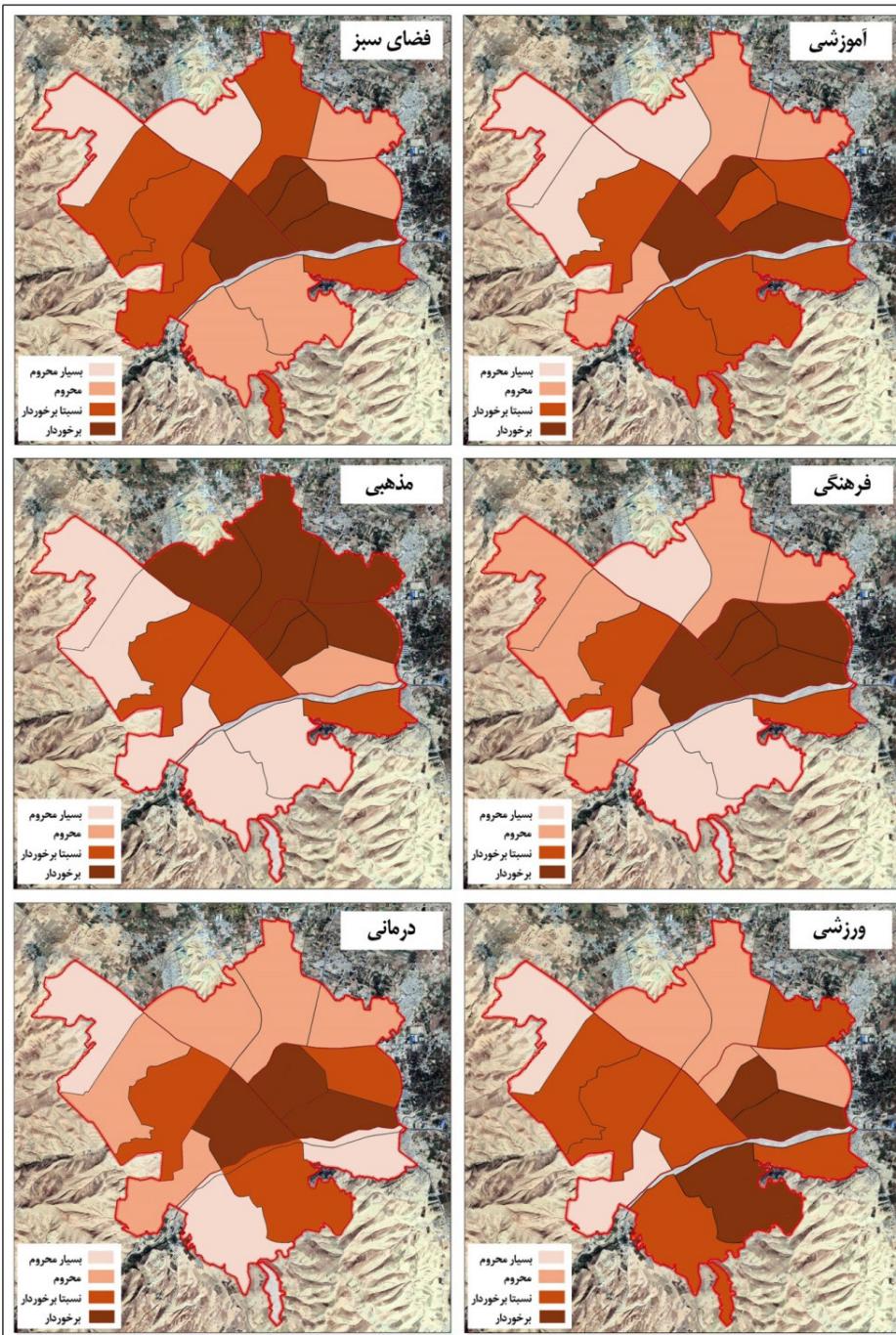
۶۳

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۶۴



شکل ۵. رتبه‌بندی نواحی ۱۵ گانه ارومیه به لحاظ برخورداری از خدمات با مدل ماباک

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه، برای نخستین بار با بررسی چیستی مفهوم عدالت در قالب سنجش‌شناسی مفهومی نظریه‌های عدالت محور به ارائه چارچوبی برای ارزیابی عدالت فضایی و نهادینه‌سازی آن در فضاهای شهری به صورت عدالت ساختاری (کیفی) و عدالت توزیعی (کمی) دست‌یافته است که توانان در شهر ارومیه مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های مطالعه عدالت ساختاری نشان می‌دهد که عدالت فضایی ساختاری را می‌توان از طریق سه معیار اصلی «مشارکت شهری‌نگاری»، «توانمندسازی» و «حق به شهر» تعریف و ارزیابی کرد. ارزیابی کیفی سند طرح جامع ارومیه با کاربست تکنیک تحلیل گفتمان با تأکید بر نشانه‌شناسی دوسوسور (که پیش‌از این تجربه نشده بود)، نشان می‌دهد که طرح جامع ارومیه توجهی عمده‌ای کالبدی نه همه‌جانبه به مقوله عدالت فضایی داشته است. همچنین یافته‌های مطالعه عدالت توزیعی نشان می‌دهد که عدالت فضایی توزیعی را می‌توان از طریق توزیع فضایی خدمات و قابلیت دستیابی ساکنین به خدمات و رتبه‌بندی نواحی ارومیه از حیث برخورداری از خدمات با روشن جدید ماباک (که پیش‌از این تجربه نشده بود) ارزیابی نمود که نتایج نشان می‌دهد، نابرابری در توزیع و دستیابی ساکنین به خدمات به شکل قابل توجه در شهر ارومیه وجود دارد.

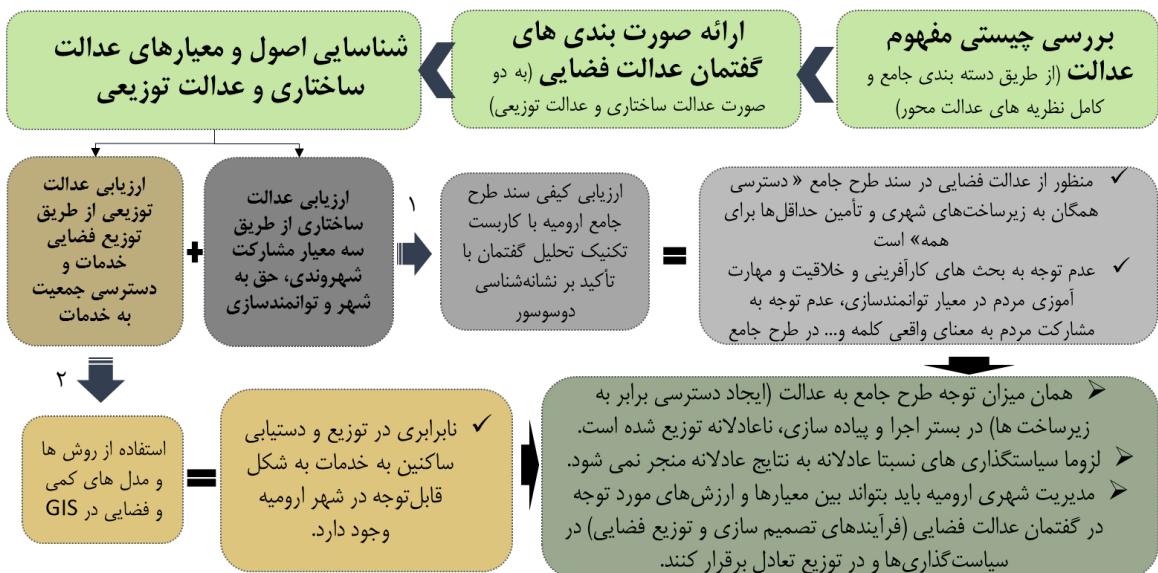
در شهر ارومیه هرچند در سند سیاست‌گذاری (طرح جامع) برخی مصادیق و مؤلفه‌های منطبق بر مفاهیم عدالت فضایی وجود داشته و منظور از عدالت فضایی در سند «دسترسی همگان به زیرساخت‌های شهری و تأمین حدائق‌ها برای همه» استنبط شده است، اما در بستر توزیعی و پیاده‌سازی به نتیجه عادلانه منجر نشده است. درواقع، با اینکه توجه به مقوله عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه بیشتر معطوف به بعد کالبدی است و از توجه به سایر جنبه‌ها غفلت‌گردیده است، ولی همان میزان توجه در عمل نیز، ناعادلانه توزیع شده‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً سیاست‌های گذاری شهری در بستر استناد توسعه شهری توجهی عمده‌ای کالبدی به مقوله عدالت فضایی داشته‌اند و همان سیاست‌ها نیز در بستر توزیع از راههایی اجرا می‌شوند که غیر دموکراتیک بوده و فضایهایی شهری که در این فرایند تولید و بازتولید می‌شوند، در پاسخگویی به نیاز طبقات کم‌درآمد و غیر برخوردار شهری شکل نگرفته‌اند. بهیان دیگر آثار این سیاست‌گذاری‌ها تأمین کننده منافع همگانی و عمومی نبوده و به قول دیوید هاروی، خرد نخبگان شهری، مازاد شهری را با توجه به اهداف شخصی‌شان تولید و مدیریت می‌کنند. با این تفاسیر می‌توان این گزاره مهم را موردن توجه قرار داد که سیاست‌گذاری نسبتاً عادلانه می‌تواند به نتایج ناعادلانه منجر شود. درنتیجه مدیریت شهری شرها و از جمله شهر ارومیه باید بتواند بین معیارها و ارزش‌های موردن توجه در گفتمان عدالت فضایی (فرآیندهای تصمیم‌سازی در سند استناد شهری و توزیع فضایی خدمات در حوزه‌های جغرافیایی) در سیاست‌گذاری‌ها و در توزیع تعادل برقرار کند.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روتاستی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۶۵



شکل ۶. خلاصه یافته‌های مقاله حاضر

از فرصت‌های برابر آموزشی، اقتصادی و فرهنگی از نتایج بررسی معیار حق به شهر در سند طرح جامع ارومیه است. نتایج ارزیابی عدالت توزیعی نیز نشان داد که نابرابری زیادی بین نواحی از حیث برخورداری ساکنین از خدمات وجود دارد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، پیشنهادها و راهکارهای ارتقای عدالت مطابق جدول ذیل، به صورت جامع و کامل پیرامون محورهای عدالت ساختاری (توانمندسازی، مشارکت و حق به شهر) و عدالت توزیعی (خدمات) ارائه می‌شود تا علاوه بر رفع کاستی‌های ساختاری طرح جامع ارومیه و توزیعی در حوزه‌های جغرافیایی به توسعه هرچه بیشتر مفهوم عدالت ساختاری و توزیعی در تهیه سند طرح جامع جدید ارومیه که به تازگی در دستور کار مدیریت شهری ارومیه قرار گرفته است، بتوان دست یافت.

نتایج پژوهش با یافته‌های محمد و همکاران (۲۰۱۸) همسوی دارد. نتایج مطالعه محمد و همکاران حاکی از خوشبای بودن توزیع فضاهای سبز و دسترسی‌پذیری بسیار کمتر نواحی حاشیه که افراد کم‌درآمد در آن ساکن شده‌اند به فضاهای سبز دارد و نشان دادند که نواحی دارای افراد مرتفه، دسترسی‌پذیری بهتری به فضاهای سبز شهری دارند. نتایج مقاله حاضر نشان داد که الگوی توزیع پارک‌های محله‌ای خوشبای است و جمعیت نواحی حاشیه‌نشین منطقه ۲ و بخشی از منطقه ۳ دارای کمترین میزان دسترسی به پارک‌ها می‌باشند و در مقابل ساکنین نواحی مرتفه و پردرآمد دارای بیشترین و بهترین میزان دسترسی به پارک‌ها و فضاهای سبز هستند. نتایج پژوهش با یافته‌های دای (۲۰۱۶) همسوی دارد. وی با استفاده از داده‌های جمعیتی و سرانه کاربری‌ها نشان داد که خدمات درمانی به صورت نابرابر توزیع شده است. در پژوهش حاضر نیز نتایج نشان می‌دهد که توزیع خدمات درمانی در شهر ارومیه به صورت نابرابر و نامتعادل است و از سرانه درمانی بسیار ناچیزی برخوردار است. نتایج پژوهش با یافته‌های احمدی و شمسی‌پور (۱۳۹۹)، کوشانه و دیگران (۱۳۹۸)، زمانی و دیگران (۱۳۹۷)، مبارکی و دیگران (۱۳۹۴)، حیدری (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. براساس یافته‌های این پژوهش‌ها، اگرچه سطوح متفاوت خدمات به دلیل سطح متفاوت جمعیتی شهرها پذیرفته شده است؛ اما در بسیاری موارد این نسبت برقرار نیست، زیرا مناطقی وجود دارند که با داشتن جمعیت زیادتر، از سطح پایین‌تری از خدمات بهره می‌برند و در این صورت است که بحث محرومیت مطرح می‌شود. در پژوهش حاضر نیز نتایج نشان می‌دهد که تمرکز خدمات در نواحی مرکزی شهر ارومیه است و جمعیت سایر نواحی ارومیه بهویژه نواحی حاشیه‌نشین دسترسی پایینی به خدمات دارند و لذا توزیع خدمات موجود چندان متناسب با نیازهای جمعیتی ارومیه انجام نشده است.

در مقاله حاضر به منظور ارزیابی عدالت ساختاری سه معیار توانمندسازی، حق به شهر و مشارکت شهروندی از نظریه‌های عدالت محور استخراج شد و در سند طرح جامع ارومیه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که سند مذکور تا چه میزان در تحقق عدالت تلاش کرده است. بر اساس نتایج بدست‌آمده، طرح جامع ارومیه نه در متن سند و نه در تهیه طرح به مشارکت مردم توجهی نداشته است. در معیار توانمندسازی نیز به مقولاتی مانند کارآفرینی، خلاقیت، آموزش شهروندی و بسیج اجتماعی و... توجهی نشده است. تقلیل دادن مفهوم حق به شهر به دسترسی به خدمات و حمل و نقل و نادیده گرفتن حق شهروندان در برخورداری

جدول ۵. پیشنهاد و راهکارهای ارتقای عدالت ساختاری در روند تهییه سند طرح جامع و عدالت توزیعی در حوزه‌های جغرافیایی ارومیه

محور	راهبرد	پیشنهاد و راهکار
نگرش‌های منفی	حذف	- ارزش و اعتبار قائل شدن برنامه‌ریزان، مدیران و سایر افراد در طرح نسبت به این موضوع که ساکنان واجد توان بالقوه مشارکت هستند و انتقال این نگرش به ساکنین - ایجاد ساختار قانونی و فراهم نمودن زمینه‌های حقوقی و قانونی برای مشارکت همه
مشهروندی	علاقه‌مند کردن	- نظرسنجی‌های مکرر از مردم برای تعیین سطح رضایتمندی شان از پژوهه و برنامه‌های تهییه شده و اجراسده - برگزاری نمایشگاه‌ها، نشستهای و کارگاه‌ها از طرف نهادهای متولی با هدف افزایش آگاهی ساکنان نسبت به طرح‌ها، منافع حاصل از اجرا و مزایای مشارکت - اطلاع‌رسانی منظم و ارائه گزارشی از بازخورددهای مشارکت برای عموم مردم از طریق تهییه بروشور و یا تهییه ماهنامه و خبرنامه و سایتهای اطلاع‌رسانی
کنترل شهری	کنترل شهری	- پاسخگو بودن مدیران به شهریوندان نسبت به سوالات و ابهامات افراد و فراهم کردن پایگاه‌های جوابگویی - برگزاری جلسات هم‌اندیشی و میزگرد مدیران شهر و برنامه‌ریزان شهر و گروه‌های ذی مدخل به منظور نظرخواهی و کمک‌های فکری از آنان (جماع و توافق عمومی). - ایجاد نهاد و اتالیه‌های دائمی و مستمر در ارتباط با شهریوندان و گروه‌های ذی مدخل به عنوان مراکز مشورتی و مطالعاتی برای تهییه طرح جهت درگیر کردن و شامل نمودن مداوم و همیشگی شهریوندان در تصمیم‌سازی (کنترل شهریوندان)
توانمندسازی کارآفرینی	ظرفیت‌سازی و کارآفرینی	- اعطای وام و تسهیل دریافت اعتبارات بانکی برای اشتغال‌زایی پایدار بهخصوص واحدهای تولیدی بومی - استفاده از ویژگی‌ها و توانایی‌های زنان و بستریازی برای ارتقای نقش آنان در مدیریت مالی خانوار - ایجاد و توسعه فضاهای خلاقانه فرهنگی و آموزشی - ارائه برنامه‌های آموزشی برای بالادردین مهارت تیزی کار - وجود برنامه‌های اشتغال و تشویق به کارگری جوانان بومی - ایجاد و تقویت فرصت‌های برای برای شهریوندان جهت دسترسی به شغل و درآمدزایی - راهاندازی فعالیت‌های کوچک و زواید اقتصادی - برگزاری دوره‌های کارآفرینی و آموزش فنی و حرفه‌ای بهویژه درزمنه مشاغل بومی - مستندسازی و انتشار تجارب کارآفرینان و تکمیل و تشویق آنان - برگزاری نمایشگاه‌ها و برنامه‌های حامی کارآفرینی در شهر - راهاندازی و توسعه اینچمن کارآفرینی در شهر ارومیه - تشکیل شبکه‌ها و گروه‌های کارآفرین و آموزش مهارت‌های پایه - ایجاد صندوق‌های محلی و تعاونی‌های اشتغال و کارآفرینی - ارتقای یادگیری، توانایی و خلاقیت - توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان و جاذب طبقه خلاق و آفرینش گر
توجه به شمولیت اجتماعی		- ارتقای انسجام اجتماعی و ساخت و ساز جمعی در شهر - ترویج برابری و عدم تبعیض، آزادی زبانی و مذهبی و حفاظت از شهریوندان آسیب‌پذیر - ایجاد تعادل میان منافع مالکیت خصوصی با نیازهای اجتماعی ساکنان - ترویج برابری جنسیتی و توامندسازی ساکنان بهویژه زنان و اقدام برای کاهش فقر
حق به شهر	حاکمیت خوب شهری	- پاسخگویی فضاهای شهری به نیازهای همه از جمله معلولان، افراد مسن و کودکان - فرصت برابر برای مشارکت همگان در تصمیم‌گیری‌های عمومی - فرصت برابر توسعه شخصی، معنوی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی - فرصت برابر برای بهره‌مندی از یک معیشت پریازده و آزاد - حفظ میراث فرهنگی موجود، ترویج و تنوع شووه‌های فرهنگی - ترویج مشارکت دموکراتیک در مدیریت شهری
بهبود دسترسی فضایی		- درنظر گرفتن شرایط برابر برای بهره‌مندی از مسکن مناسب و قابل استطاعت بدون تبعیض و تفاوت گذاری با تضمین مساوی بودن این فرصت‌ها و توزیع مناسب آنها - برخورداری از خدمات شهری باکیفیت بالا و ارائه خدمات برای تمامی ساکنان شهر بدون تبعیض و تفاوت گذاری با تضمین مساوی بودن این فرصت‌ها و توزیع مناسب آنها
خدمات همگان	ارتقای میزان دسترسی به خدمات و تسهیلات برای همگان	- ارائه خدمات و تسهیلات شهری بر مبنای مساوات و برابری جغرافیایی و نیازمندی‌های محیطی در عرصه محلی برای همه ساکنان شهری - در نظر گرفتن شیاع دسترسی مناسب و ظرفیت خدمات رسانی برای خدمات با توجه به مقیاس عملکردی آنها در وسعت نواحی و مناطق شهری. - انجام پژوهش‌های متعدد در جهت تبیین اولویت‌ها در خصوص نیازهای نواحی شهری به خدمات عمومی شهری خصوصاً در نواحی و مناطق محروم. - تشکیل شوراهای محلی در جهت شناخت بهتر از کمبودها و شناخت نقاط قوت، خصوصاً اعتمادسازی در بین ساکنان جهت مشارکت در برآورده نمودن تسهیلات در توزیع خدمات عمومی شهر در سطح نواحی ارومیه - اولویت دادن به توسعه محلات کمتر توزیع یافته با توجه به کمبود خدمات موردنیاز و کمبودهای اساسی به‌گونه‌ای که موجب تعادل منطقه‌ای گرد. - بازنگری در پیشنهادها و راهبردهای طرح‌های توسعه شهری خصوصاً طرح جامع ارومیه در قبال نواحی که کمتر از خدمات عمومی شهری برخوردارند - ایجاد مشوق‌ها و حمایت‌ها برای جذب سرمایه‌گذار در ایجاد کاربری‌های خدماتی بهویژه در مناطق محروم

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

منابع

شماره ۴۳، ۲۰-۱

- سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۳)، گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی، *فصلنامه شهر پایدار*، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۵-۱۶۳.
- سعیدی رضوانی، هادی و نوریان، فرشاد (۱۳۹۳)، شهرسازی عدالت محور؛ رهیافتی پیشرو در برنامه‌ریزی شهری، *فصلنامه مطالعات شهری*، دوره سوم، شماره ۱۲، ۴۷-۵۸.
- سن، آرماتیا (۱۳۹۰)، آندیشه عدالت. ترجمه وحید محمودی و هرمز همایون پور، تهران: انتشارات کندوکا و کتاب روش.
- شفیعی، محمود؛ آقایی طوق، مسلم و کریمیان، محمذوزین (۱۳۹۸)، تأثیر توامندسازی شهر و ندان در کاهش فساد، *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، دوره دوم، شماره ۲، ۶۳-۷۹.
- عزیزی، محمدمهدی و شکوهی بیدهندی، محمدصالح (۱۳۹۴)، تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران، سال پنجم، شماره ۲، ۱۲۵-۱۴۹.
- فتایی، مهری؛ سیدی، فرانک؛ فتایی، پریسا و کیانی، الهه (۱۳۹۳)، تأثیر برنامه‌های توامندسازی با رویکرد اجتماع محور بر افزایش سرمایه اجتماعی ساکنین شهر خرم‌آباد، *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، سال سوم، شماره ۲، ۳-۱۱.
- کوشانه، روشن؛ عزت پناه، بختیار و موسوی، میرنیجف (۱۳۹۸)، تحلیل پراکنش فضایی کاربری‌های خدمات عمومی شهری با استفاده از روش شاخص ویلامسون (مطالعه موردی: تبریز)، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال یازدهم، شماره ۴، ۲۰۵-۲۲۱.
- مبارکی، امید؛ زنپالپور، امید و عبداله زاده، مهدی (۱۳۹۴)، تحلیل فضایی پراکنش خدمات و جمعیت براساس نظریه عدالت اجتماعی (مطالعه موردی نواحی هشت گانه شهر رشت)، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره ۵، شماره ۱، ۱۰۹-۱۲۲.
- مریفیلد، اندی (۱۳۹۴)، هانری لوفور یک سوسیالیست در فضا، ترجمه محمود عبد الله زاده تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نوریان، فرشاد و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۱)، گونه شناسی آرای بنیادین معطوف به عدالت در شهر، *فصلنامه ساخت شهر*، شماره ۲۱، ۱۳-۲۴.

- Almohamad, H., Knaack, A. L., & Habib, B. M. (2018). Assessing spatial equity and accessibility of public green spaces in Aleppo City, Syria. *Forests*, 9(11), 706.
- Achmani, Y., Vries, W. T. D., Serrano, J., & Bonnefond, M. (2020). Determining Indicators Related to Land Management Interventions to Measure Spatial Inequalities in an Urban (Re) Development Process. *Land*, 9(11), 448.
- Bezerra, É. C. D., Santos, P. S. D., Lisbinski, F. C., & Dias, L. C. (2020). Spatial analysis of Brazil's COVID-19 response capacity: a proposal for a Healthcare Infrastructure Index. *Ciencia & saude coletiva*, 25, 4957-4967.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و رسانی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱
Urban management
No.66 Spring 2022

۶۸

- الوندی پور، نینا و داداش پور، هاشم (۱۳۹۷)، فراوش پژوهش‌های مرتبط با عدالت فضایی در ایران با مقیاس شهری در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴، *دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، سال نهم، شماره ۲، ۶۹-۸۶.
- امان پور، سعید؛ ملکی، سعید و حسینی، نبی الله (۱۳۹۶)، تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در مناطق کلان شهر اهواز، *مجله جغرافیا و آمیش شهری*، سال هفتم، شماره ۲۲، ۵۵-۶۷.
- احمدی، محمد و شمسی‌پور، علی‌اکبر (۱۳۹۹)، تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر بجنورد)، *مجله پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۸، شماره ۱، ۷۳-۹۸.
- اشمید، کریستین (۱۳۹۴)، نظریه تولید فضای هانری لوفور؛ بهسوی دیالکتیک سه وجهی، ترجمه آیدین ترکمه، تهران: انتشارات تیسا.
- المندینگر، فیلیپ (۱۳۸۴)، بهسوی گونه شناسی فرا اثبات گرایانه نظریه برنامه‌ریزی، *ترجمه فاطمه تقی‌زاده*، *فصلنامه‌بودجه*، شماره ۹۲، ۵۱-۷۷.
- پریزادی، طاهر؛ حسینی، فرشته و بهودی مقدم، حسین (۱۳۹۵)، تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر مریوان)، *محله آمیش جغرافیایی فضا*، دوره ۶، شماره ۲۱، ۹۱-۱۰۲.
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق و سجادیه، علیرضا (۱۳۹۰)، گونه شناسی نظریات عدالت مبنی بر ابعاد فلسفی؛ روشی در تبیین ماهیت مفهومی عدالت، *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال سوم، شماره ۲، ۵۹-۹۵.
- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۵)، تحلیل توزیع فضایی کاربری‌های خدمات عمومی شهری در نواحی شهر بوشهر، *محله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، دوره ۱۴، شماره ۲۷، ۱۲۹-۱۵۳.
- داداش پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز (۱۳۹۴)، جایگاه عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران، *نشریه راهبرد توسعه*، شماره ۴۳، ۸۱-۲۰۵.
- داداش پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز (۱۳۹۴)، تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، *فصلنامه نقش جهان*، دوره ۵، شماره ۱، ۸۴-۷۵.
- داداش پور، هاشم و الوندی پور، نینا (۱۳۹۶)، گونه شناسی مفهومی عدالت در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در چارچوب رویکرد میان‌رشته‌ای، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره نهم، شماره ۲، ۱-۲۷.
- دیسکی، مصطفی (۱۳۹۲)، در جستجوی شهر عدالت محور؛ بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری، *ترجمه هادی رضوانی و محبوبه کشمیری*، تهران: سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، موسسه نشر.
- زمانی، اکبر؛ علیزاده زنوزی، شاهین و غلامحسینی، رحیم (۱۳۹۷)، سنجش مناطق شهری بر اساس توزیع کاربری‌های خدمات شهری و اثرات آن در توزیع فضایی جمعیت (مطالعه موردی: منطقه شهر مرند)، *فصلنامه آمیش محیط*، دوره ۱۱، ۱-۱۱.

to the City: An Interview with Edward Soja. *Justice spatiale / Spatial Justice*, 01, pp.1-8. Retrieved 2016, from www.jssj.org

- Weber, R., Tammi, I., Wang, S., & Anderson, T. (2016). A Spatial Analysis of City-Regions: Urban Form & Service Accessibility. *Journal Nordregio Working Paper*, 2, 1-49.
- Yuan, Y., Xu, J., & Wang, Z. (2017). Spatial equity measure on urban ecological space layout based on accessibility of socially vulnerable groups—A case study of Changting, China. *Sustainability*, 9(9), 1552.
- Dikeç, M. (2009). Space, politics and (in)justice. *justice spatiale / Spatial justice*, 01, pp.1-8. Retrieved 2017, from www.jssj.org

- Dikeç, M. (2001). Justice and the spatial imagination. *Environment and planning A*, 33(10), 1785-1805.

- De Jeude, M. V. L., Schütte, O., & Quesada, F. (2016). The vicious circle of social segregation and spatial fragmentation in Costa Rica's greater metropolitan area. *Habitat International*, 54, 65-73.

- Dufaux, F., Gervais-Lambony, P., Lehman-Frisch, S., & Moreau, S. (2009). Birth announcement. *Justice spatiale-Spatial justice*, 1(1), 1-2.

- Fainstein, S. S. (2014). The just city. *International journal of urban Sciences*, 18(1), 1-18.

- Heckert, M., & Rosan, C. D. (2016). Developing a green infrastructure equity index to promote equity planning. *Urban Forestry & Urban Greening*, 19, 263-270.

- Harvey, D. (2010). Social justice and the city (Vol. 1). University of Georgia press.

- Lefebvre, H. (2009). State, space, world: Selected essays. U of Minnesota Press.

- La Rosa, D., Takatori, C., Shimizu, H., & Privitera, R. (2018). A planning framework to evaluate demands and preferences by different social groups for accessibility to urban greenspaces. *Sustainable cities and society*, 36, 346-362.

- Muigua, K., (۲۰۱۵). Empowering the Kenyan People through Alternative Dispute Resolution Mechanisms. In CIArb Africa Region Centenary Conference ۲۰۱۵

- Mayaud, J. R., Tran, M., & Nuttall, R. (2019). An urban data framework for assessing equity in cities: Comparing accessibility to healthcare facilities in Cascadia. *Computers, Environment and Urban Systems*, 78, 101401.

- Manuel, Jennifer. (2016). Social and Spatial Justice: Grassroots Community Action, San Jose, CA, USA.

- Parry, J. A., Ganaie, S. A., Nengroo, Z. A., & Bhat, M. S. (2012). Spatial Analysis on the provision of Urban Amenities and their Deficiencies-A Case Study of Srinagar City, Jammu and Kashmir, India. *Global Journal of Arts Humanities and Social Sciences*, 6(2), 20-31.

- Reyes, M., Páez, A., & Morency, C. (2014). Walking accessibility to urban parks by children: A case study of Montreal. *Landscape and Urban Planning*, 125, 38-47.

- Soja, E. (2009). The city and spatial justice. *Justice spatiale/Spatial justice*, 1(1), 1-5.

- Soja, E.W. (2011). Spatializing justice, Part II. *City*, 15(1), 96-102.

- Soja, E.W; Dufaux, F; Gervais-Lambony, p; Buire, C; & Desbois, H. (2011). Spatial Justice and the Right

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶. بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022